

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۲۹

۲۵ مرداد ۱۳۹۹ / ۱۵ اوت ۲۰۲۰



مجازات‌های وحشیانه؛ سنگسار و صلب



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: علی اصغر فریدی، نیره انصاری، سروناز رستگار، جواد عباسی توللی و رضا حاجی حسینی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

سنگسار، جنایت علیه انسانها

مهرانگیز کار: از سرنوشت تلخ زنانی که به جای سنگسار
اعدام می شوند، بی خبریم

مجازات صلب، دستاویزی برای برقراری حکومت وحشت

سنگسار، آغشتن دست جامعه به خون

نقدی بر مجازاتهای صلب و رجم در قوانین اسلامی و مقایسه
آنها با استانداردهای حقوق بشری بین المللی

مجازات نباید مخالف با کرامت انسانی باشد

روایت یک شاهد عینی از سنگسار در زندان

سنگسار، جنایت علیه انسان‌ها

سروناز رستگار

می‌گویند دیوار حاشا بلند است؛ این مثل را در اقدامات سال‌های اخیر در سخنان مسئولان قوه قضاییه آشکارا می‌توان دید. آخرین بار آذر سال ۹۸ بود که معاون امور بین‌الملل دبیر ستاد حقوق بشر اجرای سنگسار در ایران را به کل منکر شد و **گفت**^۱: «ما اعدام دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله یا حتی سنگسار نداشته‌ایم و نداریم.»

آن گونه که کمپین بین‌المللی علیه سنگسار **گزارش**^۲ داده اولین سنگسارها در ایران از تابستان سال ۱۳۶۰ آغاز شد زمانی که چهار زن در شهر کرمان سنگسار شدند.

ایرج مصداقی، روزنامه‌نگار، «**مرتضی فهیم کرمانی**»^۳ را به عنوان صادر کننده اولین حکم سنگسار پس از انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و **می‌نویسد**^۴ که وی در تأیید حکم سنگساری که صادر کرده با پرونده‌سازی دروغین چنین گفته است:

«چند نفر خانم بودند این‌ها ۲۸ سال به عقیده خودشان و به اظهارات خودشان که روی نوار هست و در پرونده هم منعکس شده، ۲۸ سال به فاحشه‌گری مشغول بودند در مدتی که خودشان می‌توانستند هم خودشان و هم دیگران را، وقتی که دیگر خودشان از کار افتاده بودند خانم رئیس‌ه بودند. در ظرف ۲۸ سال حدود ۶۰-۵۰ نفر دختر معصوم مردم را به فساد و تباهی کشانده بودند. زنی که خودش شوهردار بوده خانم رئیس‌ه هم بوده و دخترهای مردم را به فساد کشانده. حالا

1. <https://bit.ly/2GiPolG>
 2. <http://fa.stopstonningnow.com/2638>
 3. <https://bit.ly/2GFGo3c>
 4. <https://bit.ly/36BIFZ9>

دیوان عالی حکم اعدام حاجیه اسماعیل‌وند بیست و دو ساله را تأیید کرده و با این حال روش اجرایی حکم، دار زدن یا سنگسار است که باید تعیین شود.

انتشار خبر حکم حاجیه، واکنش‌های گسترده‌ای را به دنبال داشت. عفو بین‌الملل به صدور احکام اعدام برای زنان متهم به روابط نامشروع جنسی در ایران اعتراض کرد. در پی اعلام کمپینی برای نجات حاجیه، فشارهای بین‌المللی نیز افزایش یافت و چند نماینده پارلمان اروپا نامه‌هایی را برای محمد خاتمی، رئیس‌جمهور وقت ایران **ارسال کردند**^۵. فشارها به حدی رسید که مسئولان قضایی به شکل موقت این حکم را متوقف کرده و پرونده را به کمیته عفو و بخشودگی ارجاع کردند و در نهایت حاجیه آذر ماه ۸۵ با تبرئه از اتهامات خود **آزاد شد**^۶. صدور این حکم واکنش شدید **اتحادیه اروپا**^۷ را در پی داشت.

گزارش از سنگسار

هم‌زمان با تلاش‌های بین‌المللی برای توقف حکم حاجیه اما صدور احکام سنگسار و اجرای آن در نقاط مختلف ایران ادامه داشت. در سال ۱۳۸۶ آسیه امینی در گزارشی مفصل که در مجله زنان منتشر شد، تحقیقات خود در مورد ادامه صدور و اجرای حکم سنگسار را منتشر کرد. در این **گزارش**^۸ آسیه امینی تلاش خود برای پیگیری سه مورد اجرای حکم سنگسار را شرح داده است: «به سمت گودال پر شده سنگسار می‌روم. قبل از آن، خودم گشته و نیافته بودم.

او مرا دقیقاً به محل می‌برد. کمی برایم باورنکردنی است. سنگ و کلوخ‌های بزرگی می‌بینم که خون‌های دلمه‌بسته خشکیده بر آنها حکایت از واقعیتی خونین دارد. با تعجب می‌گویم: «خون روی این کلوخ‌ها نمی‌تواند فقط اثر پاشیده شدن خون باشد! آن مرد را با اینکلوخ‌ها زده‌اند؟» او نیز تأیید می‌کند و سنگی را نشان می‌دهد که خون بر آن شتک شده: «حق با شماست. خون پاشیده این شکلی است و ظاهر این سنگ‌ها نشان می‌دهد که به آن مرد خورده‌اند.»

آسیه امینی در بخش دیگری از گزارش خود به شیوه پنهان کردن اجرای حکم سنگسار توسط قوه قضاییه می‌پردازد و می‌نویسد: «شهرآرا، یکی از نشریات محلی خراسان، ۱۳ روز پس از اجرای حکم در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵، در صفحه

هم به او می‌گویند اگر آزادت بکنند چه می‌کنی؟ می‌گویند باز برمی‌گردم به همین کار خودم و از این کار دست برنمی‌دارم و کار دیگری هم بلد نیستم. بعدش هم وقتی که می‌خواهند حکم خدا را درباره اش اجرا بکنند می‌گویند من بیزارم از این اسلام؛ من بیزارم از این قرآن؛ من نمی‌خواهم مسلمان بمیرم؛ من می‌خواهم یهودی، نصرانی باشم. من می‌خواهم چنین و چنان باشم (همهمه نمایندگان) خوب، طوبی و مرحبا و حبذا به کسانی که طرفداری از فواحش می‌کنند، حکم می‌شود خلاف عدالت اسلامی.»

به **گفته**^۱ آیت‌الله حسین موسوی تبریزی، دادستان کل انقلاب در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳، انتشار خبر این سنگسارها سبب شده که آیت‌الله خمینی اجازه اجرای حکم رجم (سنگسار) و بریدن انگشت را ندهد.

اما آمار کمپین بین‌المللی علیه سنگسار نشان می‌دهد که علی‌رغم صدور این دستور به عنوان بخشنامه قضایی، سنگسار در همه سال‌های پس از انقلاب تا لاقبل سال ۸۷ ادامه پیدا کرده است.

اما بحث بر سر صدور و اجرای حکم سنگسار برای زنان محصنه از سال ۱۳۸۰ آغاز شد. در آن زمان به دلیل اعتراضات بین‌المللی و داخلی به اجرای مجازات سنگسار، رئیس وقت قوه قضائیه، هاشمی شاهرودی در بخشنامه‌ای به قضات توصیه کرد که از صدور و اجرای این حکم خودداری کنند.

علت صدور این بخشنامه از سوی هاشمی شاهرودی چنین عنوان شده بود که اجرای سنگسار برای اسلام ایجاد وهن می‌کند. با این حال بسیاری از قضات بی‌توجه به این بخشنامه، همچنان به صدور و اجرای این حکم **ادامه دادند**^۲.

یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های سنگسار در ایران که توجه جهان را به آنچه پشت دیوارهای بلند قوه قضاییه ایران می‌گذرد جلب کرد، پرونده حاجیه اسماعیلی‌وند بود.

حاجیه اسماعیلی‌وند از سال ۱۳۷۸ به اتهام زنای محصنه و معاونت در قتل همسرش بازداشت شد. در طول هفت سال تحمل زندان، جز یک بار که ناخواسته از او اقرار گرفته شد، همواره اتهام‌های وارد شده به خود را رد کرد.

دادگاه بدوی او را به حد رجم محکوم کرد. در سال ۸۳ یک مسئول قضایی ایران **تأیید کرد**^۳ که این خبر صحت دارد. این مسئول که نخواست نامش فاش شود به خبرنگار رویترز گفت

1. <https://bit.ly/3d5xGY7>

2. <http://fa.stopstonningnow.com/2638>
 3. <https://www.radiofarda.com/a/330981.html>

4. <https://bit.ly/2SvMCW6>
 5. <https://bit.ly/2SsrxxvP>
 6. <https://bbc.in/3jz7gk8>
 7. <https://bit.ly/34tZ0LM>



حوادث خود نوشته است: «سرانجام حکم الهی اجرا شد.» در متن این خبر، که در آغاز آن از محبوبه به عنوان قاتل نام برده شده (در حکم صادر شده جرم وی معاونت در قتل است)، شرحی از چگونگی دستگیری محبوبه و عباس، و اعتراف آنان به قتل همسر محبوبه نوشته شده است.

در بخش دیگری از این خبر آمده است: «متهمان به خواسته مدعی‌العلوم به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم شدند. حکم صادر شده پس از اعتراض متهمان به شعبه ۲۸ دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات باتجربه این حکم را پس از بررسی و توجه به زوایای پرونده تأیید کردند. صبحگاه اردیبهشت‌ماه جاری (در متن خبر تاریخ روز اجرای حکم نیامده است) حکم توسط اولیای دم برای هر دو متهم اجرا شد و آنان با حضور مسئولان اجرای احکام، به مجازات عمل خود رسیدند.»

این خبر با تأکید بر «اعدام» محکومان در حالی منتشر می‌شود که مجازات رجم در پرونده شماره ۸۳۱۴۲ شعبه ۲۸ دادگاه عمومی-حقوقی مشهد، دادنامه ۱۷۳۱۰۴۱-۳۱/۶/۱۳۸۴ به‌صراحت عنوان شده است.

از سوی دیگر، در جواز دفن محبوبه، به استناد گواهی فوت شماره ۴۷۱، مورخ ۱۷/۲/۱۳۸۵ که سازمان بهشت رضا آن را صادر کرده است، علت نهایی منجر به فوت متوفی «قتل قانونی (اعدام‌های غیرجنسی)» اعلام شده است. در جواز دفن صادر شده از سوی سازمان پزشکی قانونی (اداره کل پزشکی قانونی استان خراسان) نیز علت فوت «خونریزی مغزی و عوارض آن در اثر اصابت جسم سخت» عنوان شده است.

گرچه در این دو گواهی کتبی و قانونی، اثری از واژه «سنگسار» دیده نمی‌شود، اما کنار هم قرار گرفتن دو عبارت «قتل قانونی» و «خونریزی در اثر اصابت جسم سخت» ما را به چیزی جز واژه سنگسار نمی‌رساند.

پس از انتشار گزارش‌هایی از این دست بود که سخنگوی قوه قضاییه **اعلام کرد** که آیت الله محمود هاشمی شاهرودی با صدور بخشنامه‌ای دستور داده است که از اجرای احکام اعدام در ملاء عام خودداری شود. علیرضا جمشیدی گفت بر اساس بخشنامه نهم بهمن سال ۸۶ رئیس قوه قضاییه، اجرای احکام

1. <https://bit.ly/3lJit9>

اعدام به صورت علنی، «تنها با موافقت رئیس قوه قضاییه و بنابر ضرورت‌های اجتماعی امکان پذیر خواهد بود.» این بخشنامه «انتشار عکس و تصاویر مربوط به اعدام در رسانه‌ها» را نیز ممنوع کرده بود.

اما این بخشنامه نیز نتوانست جلوی انتشار خبرهای مربوط به صدور و اجرای احکام سنگسار را بگیرد. درست یک روز بعد از انتظار خبر بخشنامه قوه قضاییه، خبر تأیید حکم سنگسار دیگری منتشر شد. این بار رسانه‌های خارج از ایران اطلاع‌رسانی را **ادامه دادند**: «خانواده عبدالله فریور مقدم، مردی که به اتهام رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج، به سنگسار محکوم شده می‌گویند که این حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شده است.

به گفته خواهر آقای فریور، دایره اجرای احکام شهرستان ساری، هفته گذشته به آنها اعلام کرد که «منتظر رسیدن حکم کتبی سنگسار هستند و به محض دریافت برگه، این حکم را اجرا خواهد شد.»

عبدالله فریور، معلم موسیقی ۴۹ ساله متهم است که با وجود داشتن زن و دو فرزند، چنانکه قضات آن را «نامشروع» توصیف می‌کنند، با دختری ارتباط جنسی داشته است.

اما به گفته خانواده وی، این رابطه جنسی «نامشروع» نبوده است، چرا که آقای فریور و آن دختر با یکدیگر پیمان «صیغه» یا ازدواج موقت داشته‌اند و همسر عبدالله فریور نیز از این رابطه اطلاع داشته و این ازدواج موقت با رضایت وی انجام شده است.»

ادامه اطلاع‌رسانی‌ها و واکنش‌های بین‌المللی سبب شد تا در برخی موارد حکم سنگسار صادر شده به اعدام تبدیل شود از جمله **عبدالله فریور**^۲ که در تاریخ اول اسفند ۸۷ در زندان ساری اعدام شد.

اقدام جهانی علیه سنگسار در ایران

۱۹ شهریور ۱۳۸۵ زمانی که قضات شعبه ششم دادگاه کیفری استان آذربایجان شرقی حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی را امضا می‌کردند نمی‌دانستند که این حکم قرار است یکی از خبرسازترین احکام قضایی در ایران شود. دادگاه صرفاً با استناد به «علم قاضی» حکم به سنگسار این زن صادر کرد. اما چهار سال طول کشید تا خبر صدور این حکم به رسانه‌ها

1. https://www.radiofarda.com/a/f2_stoning_Sari/432845.html

2. <https://bit.ly/30FEAhY>

راه پیدا کند و پرونده سکینه محمدی آشتیانی را به یکی از بارزترین نمادهای نقض حقوق بشر در ایران تبدیل کند.

تیرماه سال ۸۹ خبر اجرای قریب‌الوقوع حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی **اعلام شد**.^۳

بلافاصله سازمان دیدبان حقوق بشر از ایران **خواست**^۴ تا حکم اعدام سکینه محمدی آشتیانی را که به اتهام جرم زنا محصنه دستگیر شده، لغو کند.

در پی درخواست‌های گسترده محمدجواد لاریجانی «دبیر ستاد حقوق بشر» قوه قضاییه، در گفت‌وگو با خبرگزاری دولتی ایرنا، **گفت**^۵ سنگسار جزو «احکام شرع مقدس اسلام» است و نظام قضایی ایران به دلیل فشارهای غرب از اجرای آن منصرف نخواهد شد.

لاریجانی درباره حکم سنگسار سکینه محمدی آشتیانی گفت: «مجازات رجم (سنگسار) در قانون اساسی ما وجود دارد اما قضات محترم دادگاه‌ها در شرایط بسیار محدود اقدام به صدور چنین حکمی می‌کنند.»

پس از آن که **محمد مصدق کهنمویی**^۶ که از مقام‌های قضایی ایران معرفی شده، در پاسخ به کمیته رفع تبعیض سازمان ملل در ژنو گفت که سکینه محمدی آشتیانی علاوه بر زنا در قتل همسرش نیز مجرم شناخته شده، اما جمهوری اسلامی در مورد سرنوشت وی هنوز تصمیمی نگرفته است؛ خانم محمدی آشتیانی در گفت و گو با روزنامه **گاردین**^۷ اعلام کرد که مقام‌های قضایی در نظر دارند که با افزودن اتهام قتل همسرش به پرونده وی، حکم اولیه سنگسار را در مورد وی به اجرا در آورند.

سکینه محمدی آشتیانی در مصاحبه‌اش با گاردین همچنین عنوان کرد که وی به دلیل زنا گناهکار شناخته شده، ولی از اتهام قتل همسرش تبرئه شده است. وی افزود مردی که همسرش را به قتل رسانده، شناسایی و دستگیر شده، اما به مرگ محکوم نشده است.

خانم محمدی آشتیانی دلیل این موضوع را زن بودن خود عنوان کرد و گفت که مقام‌های جمهوری اسلامی می‌پندارند که می‌توانند هر چه بخواهند در حق زنان روا دارند. او همچنین از جامعه بین‌المللی خواست تا نگذارند در برابر چشمان فرزندش سنگسار شود.

کمتر از یک هفته پس از انتشار این مصاحبه شبکه ۲ تلویزیون

3. https://www.radiofarda.com/a/f3_stoning_Iran/2082503.html

4. <https://bit.ly/3ixfirfv>

5. <http://www.rajaneews.com/news/38932>

6. <https://bit.ly/3d78Wiq>

7. <https://bit.ly/34xbq5s>

مهرانگیز کار: از سرنوشت تلخ زنانی که به جای سنگسار اعدام می‌شوند، بی‌خبریم



علی‌اصغر فریدی

زن یا مردی را مجسم کنید که در پارچه‌ای سفید پوشانده شده، اگر مرد باشد تا لکن خاصه و اگر زن باشد تا کمر در گودالی دفن شده و راه فراری هم ندارد، جمعیتی دور تا دور او حلقه زده‌اند و با سنگ‌ریزه آنقدر او را می‌زنند تا بمیرد. این یک نوع مجازات است که از قرن‌ها پیش در برخی جوامع رایج بوده، این مجازات در آیین یهود رایج بود و پس از آن نیز در آیین اسلام برای کسانی که مرتکب زنا یا محصنه می‌شدند اعمال می‌شد.

این نوع مجازات که به نام سنگسار شناخته می‌شود، نوعی مجازات مرگ است که گروهی از مردم جامعه با پرتاب سنگ به سوی مجرم، او را به قتل می‌رسانند. سنگسار از سوی جامعه بین‌الملل عملی وحشیانه و سبعمانه تلقی می‌شود، امروزه در برخی از کشورها، از جمله ایران که دارای حکومت اسلامی هستند، اعمال می‌شود. مجله حقوق ما، موضوع سنگسار را با مهرانگیز کار حقوقدان، وکیل، روزنامه‌نگار و فعال حقوق‌بشر در میان گذاشته که مشروح آن در زیر آمده است.

مجازات سنگسار که در قانون جزایی ایران آمده چیست و برای چه نوع جرمی اعمال می‌شود؟

قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ اصلاح شد. امید بر این بود

که در مجازات‌های خفت‌بار بدنی که جسم و روح محکوم را زخمی می‌کند، تجدید نظر بشود و دو عامل مهم “زمان” و “مکان” و به خصوص تحولات اجتماعی ایران مبنای تجدید نظر قرار گیرد. این امید مانند بسیاری امیدهای دیگر بر اصلاح بر باد رفت. قانون، بدون اصلاحات مورد انتظار و فقط با برخی تغییرات کوچک از تصویب گذشت. مجازات‌های خفت‌بار بدنی از آن پاک نشد و همچنان مواد و تبصره‌های به خون آلوده و شکنجه و تخریب و حد شرعی و قطع اعضای بدن و مرگ دردناک با الفاظ تازه‌ای در آن گنجانده شد. قانون ناظر بر مناسبات عاشقانه‌ی ایرانیان که ذیل “سیاست جزائی مبتنی بر احکام شرع” تعریف شده، امنیت قضائی را از خصوصی‌ترین حوزه‌های زندگی مردم که مهمترین زاویه‌ی آن روابط عاشقانه‌ی شهروندان است از آنها سلب کرده است.

سنگسار در قانون مجازات اسلامی

ناگزیر هستیم، مواد و تبصره‌هایی از قانون را که شرحی است بر سنگسار و مانند دیگر قوانین برآمده از فقه، سهل و آسان از سوی خواننده‌ی غیر متخصص فهمیده نمی‌شود نقل کنم.

قانون مجازات اسلامی، این گونه به موضوع سنگسار ورود کرده است:

ماده ۲۲۵ □ حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم (سنگسار) است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

در این ماده به حق حیات زن و مرد عاشق تعدی رواداشته‌اند، قانونگذاری را از مسیر حفاظت از آزادی‌های فردی کاملاً منحرف کرده‌اند. به علاوه بر تبعیض جنسیتی هم به شرح مواد بعدی اصرار ورزیده‌اند.

”ماده ۲۲۶ □ احصان در هریک از مرد و زن به نحو زیر محقق می‌شود:

الف- احصان مرد عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با وی در حال بلوغ جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از طریق قبل را با وی داشته باشد.

ب- احصان زن عبارت است از آنکه دارای همسر دائمی و بالغ باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده، با او از طریق قبل جماع کرده باشد و امکان جماع از طریق قبل را با شوهر داشته باشد.“

با آن که از عبارات ماده ۲۲۶ این گونه بر می‌آید که قانونگذار در جرم انگاری زنا محصنه، برای زن و مرد شرایط یکسان تعیین کرده است، ولی با توجه به بسیاری تبعیض‌های جنسیتی مندرج

در قوانین مدنی ایران، در عمل شانس نجات مرد متهم به زنا محصنه از سنگسار خیلی زیاد است و در نتیجه سنگسار در ۴۲ سال عمر جمهوری اسلامی، جان عزیز زنان عاشق را به فراوانی گرفته است.

قدرت دفاعی زن و مردی که به استناد این ماده قانونی بر کرسی اتهام می‌نشینند و در معرض مجازات سنگسار قرار می‌گیرند، به علت جواز چند همسری مردان در قانون مدنی و قانون خانواده، نابرابر است. قدرت دفاعی مرد به مراتب بیش از قدرت دفاعی زن است. به این ترتیب که هرگاه مرد مرتکب زنا محصنه دارای همسر دائم باشد، اما زن هم جرم او مجرد، مرد می‌تواند به انواع شیوه‌ها و شگردها ثابت کند، پیش از آغاز رابطه‌ی جنسی، زن هم جرم را به عقد موقت (صیغه) خود در آورده بوده است. در نتیجه مجازات مرد متهم و زن هم جرم او، هر دو منتفی است. اما اگر زن دارای همسر دائم باشد و مرد مجرد، زن نمی‌تواند با یک چنین ادعائی از خود دفاع کند و در نتیجه زن سنگسار می‌شود. حال آن که مرد هم جرم او که مجرد است باید یکصد ضربه شلاق را تحمل کند. چرا؟ چون حق چند همسری خاص مردان است.

مردانی که دروغ می‌گویند و با زن هم جرم خود که مجرد است، پیمان زناشویی نبسته‌اند، به سهولت می‌توانند با پرداخت پول به یک ملا یا یک دفترخانه، صیغه نامه‌ای بگیرند با تاریخ پیش از کشف رابطه‌ی حرام. دادگاه با استناد به همین سند متقلبانه اقدام به انشای رای به سود مرد می‌کند. حال آن که زن هم جرم او سنگسار می‌شود.

فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران

این مجازات خفت‌بار، چند بار از فشارهای بین‌المللی تأثیر پذیرفته و متوقف شده، ولی زیر سلطه‌ی تحولات سیاسی در ایران و سیاست خارجی کج و معوج جمهوری اسلامی، گاهی گامی به عقب برداشته‌اند و اجرای سنگسار را متوقف و به جای آن محکوم را اعدام کرده‌اند و باری دیگر سنگسار را در جریان لج و لجبازی‌های کودکانه با جامعه‌ی جهانی از سر گرفته و اجرایی کرده‌اند.

از آغاز سال ۲۰۰۳ و در پی قول شفاهی مسئولان قوه قضائیه ایران به مقام‌های اروپائی، صدور احکام سنگسار با بخشنامه‌ای از سوی رئیس قوه قضائیه (محمود هاشمی شاهرودی) متوقف شد. ولی در پی تیره شدن روابط با اروپا به لحاظ همکاری اروپا با امریکا در رویکرد تحریم، باری دیگر در سال ۲۰۰۷ مواردی از سنگسار گزارش شد. بخشنامه را هم لغو کردند.

نظریه‌ی فقهی غالب در نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به مجازات سنگسار بر ضرورت شرعی آن تأکید دارد. اما فقیهانی هم هستند که در این باره نظرات متفاوتی ارائه می‌دهند، هرچند در قانونگذاری این نظریه‌ها مبنا قرار نمی‌گیرد.

و جامعه دارند.

تجربه‌ای که ما از ۴۲ سال زندگی با جمهوری اسلامی داریم این است که مجازات‌های سخت نسبت به روابط عاشقانه‌ی زن با مرد، مرد با مرد، زن با زن، نه تنها در مناسبات مردم "عشق زدایی" نکرده، بلکه بسیاری پرده‌ها و موانع سنتی و تابوها در این دوران شکسته شده. روابط عاشقانه‌ی خارج از زناشویی در سطح کشور، نرخ افزایش تصاعدی را نشان می‌دهد تا اندازه‌ای که نظام قضایی که خود به شدت گرفتار فساد مالی و امنیتی است، حتی از عهده‌ی برخورد با آن بر نمی‌آید. البته این هم سرنوشت حکومت‌هایی است که رفتار عادی انسانی را مصادیق مجرمانه قرار می‌دهند و در نهایت این درجه از نابخردی و خشونت، گریبان خودشان را می‌گیرند.

جمهوری اسلامی با قانونگذاری ارتجاعی و اجرای عقب افتاده‌ترین مجازات‌ها، در عمل به جنگ با شهروندان قیام کرده و در این جنگ بی‌امان که آن را از سال ۵۷ در نبود قانون اساسی و قوانین موضوعه آغاز شده، در مردم روان‌پریشی ناشی از ترس و ناامنی در حریم خصوصی ایجاد کرده است. حکومت به خوبی آگاه است که در این جنگ شکست خورده و مقاومت فرهنگی در برابر قوانین ارتجاعی در تمام سطوح و لایه‌های اجتماعی جریان دارد و لحظه به لحظه گسترده می‌شود.

اگرچه برخی از چهره‌های سیاسی و حقوقی ایران ادعا می‌کنند که مجازات سنگسار دیگر اجرا نمی‌شود، اگر چنین است چرا این مجازات از قانون جزایی حذف نمی‌شود؟

مدیران موثر کشور در قانونگذاری مانند مجلسی که همه‌ی طیف‌های فکری ایران را نمایندگی نمی‌کند و همچنین شورای نگهبان که در حقیقت نگهبان تنها یک طیف ارتجاعی از بسیار طیف‌های مترقی در جامعه‌ی تکرگرای ایران است، احکام خونریز را پاسداری می‌کنند و اطمینان دارند که فقط با گسترش ترس است که می‌توانند زیر چتر ایدئولوژی اسلامی، کشوری را غارت کنند و مانند امروز به خاک سیاه بنشانند.

از طرف دیگر فرض کنید نام و نشان سنگسار از قوانین جزایی کشور حذف بشود. با اصل ۱۶۷ قانون اساسی چه می‌توان کرد؟ این اصل صراحت دارد بر این که: "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد."

حال خوش‌بینانه تصور کنید بکلی نام سنگسار از قانون مجازات اسلامی حذف بشود. حذف قانون که در حکم حذف این همه قضات حوزوی از قوه قضائیه‌ی اسلامی نیست. هرگاه بخواهند،

خلاصه‌ای از این نظریه‌ها:

*در غیبت امام زمان، اجرای حدود که ظاهراً گفته می‌شود "سنگسار" از آن جمله است ممکن نیست.

*این احکام موجب وهن اسلام است.

*این مجازات در قرآن نیامده است.

*سنگسار در اسلام دارای شرایطی است از آن جمله: چهار مرد عادل شهادت بدهند که به چشم خود دیده‌اند زن و مردی با هم زنا کرده‌اند. این گونه احراز جرم امری غیرممکن است. به علاوه که اساساً نگاه کردن به این چنین صحنه‌ای، حرام شرعی است. لذا قابل فهم است که حتی نظر فقهی بر غیر ممکن بودن اثبات جرم استقرار دارد.

با وجود این نظرات مخالف، اجرای حکم سنگسار به صورت رسمی تعطیل نشده است. ولی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با الفاظ به گونه‌ای بازی کرده که محافل حقوق بشر جهانی تصور کنند سنگسار را حذف کرده‌اند. حال آن که چنین نیست. آن را در نهایت برده‌اند به قلمرو رهبری. و نظر نهائی درباره‌ی اجرای حکم به عهده‌ی ولی فقیه گذاشته شده است. در این قانون به کرات از زنا‌ی محصنه و سنگسار یاد شده، ولی از اعلام چگونگی اجرای آن، برخلاف قانون پیش از اصلاحات امتناع کرده‌اند. این گونه بازی‌های سیاسی، نشانه‌ی حذف سنگسار نیست.

مجازات سنگسار علاوه بر ایران در قوانین کدام کشور یا کشورهای دیگری آمده و اجرا می‌شود؟

در کشورهای افغانستان، نیجریه، سودان، عربستان سعودی و ایران، سنگسار قابل اجرا است. البته در دستجات اسلام افراطی، سنگسار بدون قوانین موضوعه و دولت، بر پایه‌ی نظرات شرعی فقیهان مقتدر در این دستجات، اجرا می‌شود.

آن طور که می‌شود، هدف قانونگذار از تصویب یک مجازات، بازدارندگی است، آیا مجازات سنگسار می‌تواند بازدارنده باشد؟ آیا این نوع مجازات چه نوع تاثیری می‌تواند بر جامعه داشته باشد؟

به طور کلی احکام اسلامی و جرم انگاری به صورت شرعی، اصل مهم بازدارندگی را در اجرا دنبال نمی‌کند. هدف تصویب کنندگان و مجریان احکام اسلامی به قول خودشان فقط و فقط اجرای این احکام است. اصل، بازدارندگی نیست. آیت‌الله مصباح یزدی یکی از مراجع متصل به افراتیون اسلامی، باری به صراحت تأکید کرد که منظور اجرائی شدن اسلام است، نه پایین آوردن نرخ جرایم و جنایات (نقل به مضمون).

بنابراین سیاست‌های جزایی اسلامی، مکتب‌های نوین جزایی را که به اصلاح فرد مجرم با کمترین مجازات اولویت می‌دهند و مجازات سنگین اعدام را مگر در جرائم بسیار شدید تجویز نمی‌کنند، به چالش می‌کشند و از نظر فلسفی، رویکردی متفاوت با اصلاح مجرم

می‌توانند به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و بر پایه‌ی فتاوی این همه مراجع خونریز نزدیک به حکومت اسلامی، و امامان جماعت مستمری بگیر و رانت خوار، در باره‌ی زنا‌ی محصنه، حکم سنگسار صادر و اجرا کنند.

بنابراین "سکوت" قانون دردی از دردهای بی‌درمان ما را دوا نمی‌کند. جایی که قانون مجازات اسلامی سکوت می‌کند، قانون اساسی سکوت را به زبان حقوق عاشقی مردم می‌شکند.

از لحاظ حقوقی چه راهی وجود دارد که بتوان مجازات سنگسار را از قانون جزایی ایران حذف کرد؟

گمان می‌کنم پرسش شما را در پاسخ به پرسش قبلی داده‌ام. تا همین نظام سیاسی برجاست، اصلاح در قوانین جزایی کشور به نیت حذف مجازات‌های وحشیانه و مرگبار و تعدیل جرم‌انگاری به فرض هم که انجام بشود، بی‌فایده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در برابر ورود به جهان مدرن و مکتب‌های نوین جزایی سنگ اندازی می‌کند. لذا تنها جایگزین شدن یک حکومت سکولار چاره‌ی کار است. نه سنگسار، نه دیگر مجازات‌های خشونت‌بار تا زمانی که تنها منبع قانونگذاری به موجب اصل ۴ قانون اساسی موجود، احکام اسلامی است، حذف نخواهند شد و به جای خود باقی خواهند بود.

فرض کنید سنگسار را این جماعت تبدیل کنند به اعدام که در عمل همین کار را کرده‌اند. آیا در این فرض مناسبات عاشقانه‌ی یک زن شوهردار با مردی سوای شوهر یا مرد زن‌دار با زنی سوای همسرش، سزاوار مجازات اعدام یا یکصد ضربه شلاق است؟

بی‌گمان این رفتارها پیمان‌شکنی است و رفتاری خلاف اخلاق است، و در دیگر نظام‌های حقوقی هم سرزنش می‌شود. اما سرزنش در حد فوریت بخشیدن به تقاضای طلاق زن یا مردی است که به او خیانت شده و عواطف و احساساتش را هم پیمان زناشویی او جریحه‌دار کرده است.

جایی برای طرح جایگزین سنگسار متصور نیست. اگر هم در این نظام، موضوع طرح بشود، تنها جایگزین را اعدام اعلام می‌کنند و در حال حاضر بدون آن که اعلام صریح کرده باشند به آن عمل می‌شود و ما از جزئیات سرنوشت تلخ زنانی که به جای سنگسار اعدام می‌شوند بی‌خبریم.

تا این ملک است و این روزگار طرح جایگزین سنگسار موضوعیت ندارد و به مردم کمک نمی‌کند. جدایی دین و حکومت تنها راه حل است.



مجازات صلب، دستاویزی برای برقراری حکومت وحشت



جواد عباسی توللی

مسیح با فرمان پیلاتوس، حاکم رومی اورشلیم و به اتهام «تباه‌کاری بر زمین»، بر فراز تپه گلگتا (جایگاه اعدامیان) به صلیب کشیده شد. مسیح مصلوب در «روز سوم» و پس از (مرگش رستاخیز کرد). (کتاب مقدس، عهد جدید)

همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر بپُرنند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی (بزرگ معذب خواهند بود). (قرآن، سوره مائده)

شاید دور از تصور باشد این‌که بگوییم این روایات تاریخی-مذهبی از مجازات صلب (به صلیب کشیدن که در قرآن از آن تحت عنوان به دار آویختن نیز یاد شده)، در خردادماه سال گذشته یک‌بار دیگر توسط ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه ایران و در قالب «آئین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود» به‌روز رسانی و به مراجع قضایی سراسر ایران ابلاغ شده است. گویی دستگاه قضایی ایران فرسنگ‌ها از تمامی دستاوردهای بشری در سده‌های گذشته بی‌اطلاع است

در ماده ۵۸ آئین‌نامه یاد شده اما به‌طور مشخص درباره

چگونگی اجرای مجازات صلب آمده: «در اجرای حد صلب محکوم را در فضای باز به چوبه دار که شبیه صلیب است آویزان می‌کنند؛ به‌نحوی که پشت به صلیب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد. همچنین دست‌های محکوم را به دو چوبه افقی و پاهایش را به چوبه عمودی بسته و به‌مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت «مأموران به همان حال رها می‌کنند».

مجازات صلب که ملهم از قوانین شریعت اسلام وارد نظام قضایی ایران شده، از همان سال‌های اولیه روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی ایران تصویب و اجرا شده است با دستاویز قرار دادن چنین قوانینی در نظام کیفری ایران بود که دست‌کم یکی از مخالفان سیاسی در دهه ۶۰ به صلیب کشیده شد.

الله قلی جهانگیری، از فعالین سیاسی چپ‌گرا در ۲۴ بهمن ۱۳۶۲ در شهرستان سمیرم در استان اصفهان توسط اسدالله لاجوردی، دادستان وقت انقلاب و با همکاری نیروهای ارتش بازداشت شد. لاجوردی دستور داد تا پیکر زخمی الله قلی جهانگیری را به صلیب کشیده و برای ایجاد رعب و وحشت در شهر به تماشای عموم بگذارند. اقدامی که سبب جان‌باختن جهانگیری شد.

در عکس ثبت شده از این رویداد، به صلیب کشیده شدن این مخالف سیاسی به‌وضوح نشان داده شده است

پنهان‌کاری در نحوه اجرای مجازات‌های مرگ توسط قوه قضاییه در ایران اما سبب شده تا اطلاع دقیقی از اینکه آیا مجازات صلب در سال‌های گذشته در ایران به‌اجرا گذاشته شده یا نه، در دسترس نباشد. اما بهار صبا، پژوهش‌گر حقوق بشر در سازمان آرتیکل ۱۹ و پگاه بنی‌هاشمی، حقوق‌دان و فعال حقوق بشر هر دو بر این باورند که «نفس وجود مجازات صلب در نظام کیفری ایران» دست‌کم خطر اجرای آن را برای برخی از زندانیانی که به «محرابه» و «افساد فی الارض» متهم شده‌اند، محتمل می‌سازد.

قانون مجازات اسلامی، اختیارات مراجع قضایی و مجازات صلب

پس از تصویب «قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری» در اوایل شهریور ماه ۱۳۶۱، دادگاه‌های کیفری یک و دو جانشین «دادگاه‌های کیفری خلاف، جنحه، جنایی» در نظام قضایی ایران شدند. همچنین طبق ماده ۱۹۴ قانون یاد شده، دادرسی عمومی نیز تشکیل شد و به‌موجب ماده‌ی ۱۹۲ همین قانون، مجازات حدود و قصاص و دیات و تعزیرات در صلاحیت «دادگاه‌های دادگستری اسلامی» قرار گرفت

همچنین طبق ماده ۱۹۸ این قانون، رسیدگی به جرمی که کیفر آن اعدام، رجم، صلب و نفی بلد به عنوان حد باشد، در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار گرفت

علاوه بر این، طبق بند یک ماده واحده رسیدگی به جرم محاربه و افساد فی الارض که به موجب «قانون حدود»، مصوب ۱۳۶۲ مجازات آن ۱- قتل ۲- آویختن به دار (صلب) ۳- قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفی بلد بود، به دادسراها و دادگاه‌های انقلاب سپرده شد

اختیارات تفویض شده به این مراجع قضایی اما حتی پس از تصویب «قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» موسوم به «قانون احیاء دادرسیها» در سال ۱۳۸۱ نیز تغییر چندانی نکرد

از سوی دیگر در ماده ۱۹۰ «قانون مجازات اسلامی» برای حد «محرابه» و «افساد فی الارض» چهار نوع مجازات از جمله «صلب» ذکر شده است. همچنین در ماده ۱۹۵ این قانون، نحوه اجرای این مجازات نیز آمده است

براساس تعریف قانون مجازات اسلامی، اتهامات محاربه و افساد فی الارض، دایره گسترده‌ای از فعالیت‌های جرم‌انگاری

شده از جمله سرقت مسلحانه، عاملیت مستقیم یا هواداری از قیام مسلحانه در برابر حکومت اسلامی، کودتا، فراهم آوردن امکانات برای براندازی حکومت اسلامی و مواردی از این دست را دربر می‌گیرد

با در نظر گرفتن همه موارد بالا، تمامی مراجع قضایی سراسر کشور مخیر شده‌اند، مجازات صلب را برای متهمان به «محرابه» و «افساد فی الارض» صادر کرده و به اجرا درآورند

پگاه بنی‌هاشمی: خطر اجرای مجازات بی‌رحمانه صلب

پگاه بنی‌هاشمی، حقوق‌دان و فعال حقوق بشر اما بر این باور است که مادامی که مجازات بی‌رحمانه و خلاف حقوق بشر در قوانین کیفری ایران وجود دارد، همواره خطر اجرای این مجازات‌ها محتمل است. به‌گفته این حقوق‌دان، زمانی که یک مجازات، جنبه قانونی دارد در نتیجه از جنبه اجرایی ساقط نخواهد بود

در چند سال اخیر و به‌دنبال خیزش‌های سراسری در دی‌ماه ۹۶، مردادماه ۹۷ و آبان و دی ۹۸، قوه قضاییه ایران بی‌توجه به درخواست مکرر فعالان ایرانی، جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی به شدیدترین مجازات‌ها برای سرکوب شهروندان معترض، روی آورده است

صدور حکم اعدام برای سه تن از بازداشت‌شدگان اعتراض‌های آبان‌ماه ۹۸، تأیید احکام اعدام برای پنج نفر از معترضین دی‌ماه ۹۶ و به‌تازگی، اجرای حکم نوید افکاری، کشتی‌گیر ۲۷ ساله ایرانی و زندانی سیاسی در روز ۲۲ شهریورماه، از یک‌سو و به‌روز رسانی و ابلاغ «آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود» توسط رئیس قوه قضاییه از سوی دیگر، نگرانی‌ها درباره افزایش صدور و اجرای مجازات مرگ از جمله صلب را افزایش داده است

مقام‌های قضایی ایران اما در سال‌های اخیر همواره بر توجیه احکام اعدام به‌مثابه احکامی «بازدارنده» تأکید داشته‌اند

بنی‌هاشمی اما با تأکید بر اینکه اعمال مجازات‌های اعدام از جمله صلب حتی جنبه «بازدارندگی» از جرم هم ندارند، می‌گوید: «اولین هدف قانون‌گذاران از وضع قوانین، بازدارندگی است. حال سوال‌های که مطرح می‌شود اینست که مجازات‌هایی مثل صلب یا رجم یا قطع عضو آیا بازدارنده است؟ آیا به سلامت روانی جامعه ضربه نمی‌زند؟ آیا بازتولید خشونت نمی‌کند؟ آیا با وجود چنین مجازات‌هایی آمار جرم در ایران پایین آمده؟ بنابراین اولین هدف قانونگذارن یعنی همان بازدارندگی با اجرای چنین مجازات‌هایی تأمین نشده

حقوق‌های بشری در تعارض است.

در برخی از کشورهایی که مجازات مرگ (اعدام) را لغو کرده‌اند، از مواردی همچون حبس‌های طولانی، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و غیره به‌عنوان مجازات‌های جایگزین اعدام بهره برده‌اند. بنی هاشمی اما با اشاره به تجربه کشورهای توسعه یافته در استفاده از مجازات‌های جایگزین اعدام می‌گوید: «در کشورهای توسعه یافته، اعدام یا مجازات‌های بدنی کاملاً لغو شده است. حتی مجازات حبس هم تا حد زیادی اعمال نمی‌شود و مجازات‌ها به جرمه‌های مالی یا محرومیت از خدمات اجتماعی محدود شده است».

به گفته او، میزان اثربخشی و بازدارندگی مجازات‌های جایگزین و مبتنی بر حقوق بشر، بسیار بیشتر از اجرای اعدام بوده و آمار تخلفات و جرائم در کشورهایی که این راهکار را برگزیده‌اند، تا حد چشم‌گیری نسبت به کشورهای دیگر پایین آمده است.

بهار صبا: مجازات صلب و تضاد آن با تعهدات بین‌المللی ایران

جمهوری اسلامی ایران از یک طرف به عنوان عضو رسمی سازمان ملل متحد، تعدادی از اسناد حقوق بشری از جمله «میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» و همچنین «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» را پذیرفته و متعهد به اجرای آنها شده است. از سوی دیگر ایران با تصویب قانونی اساسی و الزام به تطبیق قوانین داخلی با موازین اسلامی و شرعی میان برخی از تعهدات حقوق بشری و قوانین موضوعه داخلی خود دچار تعارض و اختلافاتی شده است.

بهار صبا، حقوق‌دان و پژوهش‌گر حقوق بشر در سازمان آرتیکل ۱۹، اما معتقد است که اساساً نفس وجود چنین مجازات‌هایی در قوانین کیفری ایران در تضاد با تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده از سوی جمهوری اسلامی است.

به گفته او، کمیته ضد شکنجه و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد به صراحت اعلام کرده‌اند که مجازات‌هایی نظیر صلب (به صلیب کشیدن)، ممنوعیت مطلق شکنجه را از بین می‌برد و مسأله تضاد میان قوانین داخلی ایران با قوانین بین‌المللی نمی‌تواند به‌عنوان دستاویزی برای نقض حقوق بشر در داخل کشور قرار گیرند.

این حقوق‌دان در ادامه در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا مجازات‌هایی همچون صلب، رجم و قطع عضو براساس حقوق



است.

او همچنین با یادآوری نظرانی که درباره «مطرود» بودن اعمال مجازات صلب در برخی از محافل دانشگاهی ایران، رایج است، می‌گوید: «در کلاس‌های حقوق از سوی برخی از اساتید این رشته، گاهی گفته می‌شود که مجازات‌هایی همچون صلب (به صلیب کشیدن) و سنگسار، مطرود است و اعمال نمی‌شوند، در پاسخ باید گفت زمانی که برای این مجازات‌ها آئین نامه ابلاغ می‌شود، پس احتمالاً روزی به صلاحدید قضات، جنبه «اجرایی هم خواهند یافت».

مجازات‌هایی همچون صلب که منجر به مرگ متهمان می‌شوند به عنوان مجازاتی برگشت‌ناپذیر همواره یکی از موضوعات بحث‌برانگیز درباره حقوق کیفری ایران بوده است. چنین مجازات‌هایی با «حق زندگی» به عنوان منشاء همه‌ی

بین الملل ممنوع هستند؟ می‌گوید: «علت این ممنوعیت اینست که براساس استانداردهای بین‌المللی، این مجازات‌ها «شکنجه محسوب می‌شوند».

او در ادامه می‌گوید: «شکنجه نه تنها نقض حقوق بشر محسوب می‌شود بلکه در حال حاضر به‌عنوان یک جرم بین‌المللی هم «شناخته شده و مشمول اصل صلاحیت جهانی می‌گردد».

به گفته او، از آنجایی که طبق قوانین بین‌المللی، صدور مجازاتی نظیر صلب، شکنجه محسوب می‌شود، مقامات دادستانی و قضایی که مسئول صدور و اجرای چنین احکامی در ایران هستند با توجه به «اصل صلاحیت جهانی» باید مورد محاکمه و تحت تعقیب کیفری قرار گیرند.

به‌موجب «اصل صلاحیت جهانی»، دولت‌های متعهد به دفاع از موازین حقوق بشر، می‌توانند در رابطه با پاره‌ای جرایم مهم و ضد بشری، صرف‌نظر از محل وقوع آن‌ها و فارغ از تابعیت مجرم یا قربانی، در دستگاه قضایی خود به جرایم یاد شده رسیدگی کنند.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های بین‌المللی اعمال شده برای ناقضان حقوق بشر از یک‌سو و پنهان‌کاری مقامات ایرانی در اجرای مجازات‌های بی‌رحمانه‌ای همچون صلب و انکار اجرای چنین مجازات‌هایی در سطح جهانی توسط مقامات ایرانی از سوی دیگر، لزوم مستند سازی و اطلاع رسانی درباره موارد نقض حقوق بشر در ایران بیش از گذشته احساس می‌شود. بهار صبا با اشاره به همین نکته، بر این باور است که مستند سازی موارد نقض حقوق بشر از سوی نهادهای بین‌المللی بسیار مهم است چرا که ما با مسئولانی در ایران رو برو هستیم که در سطح جهانی و در مجامع بین‌المللی در سطح گسترده‌ای دست به انکار مستمر موارد نقض حقوق بشر در کشور می‌زنند.

او می‌گوید: «سازوکارهای بین‌المللی برای مستند سازی موارد نقض حقوق بشر وجود دارد. همچنین گزارش‌گران ویژه‌ای در رابطه با شکنجه و گزارش‌گر ویژه‌ای در امور ایران توسط سازمان ملل متحد تعیین شده‌اند که در واقع در صلاحیت این گزارش‌گران پرداختن به مجازات‌های غیر انسانی و ترذیلی است».

این پژوهش‌گر در ادامه با اشاره به پنهان‌کاری مقامات قضایی ایران در زمینه اجرای انواع مجازات‌های ترذیلی و غیر انسانی همچون مجازات صلب، به دو بخشنامه صادر شده از سوی روسای پیشین قوه قضاییه در ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: «دو بخشنامه در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۷ در مورد احکامی



مثل رجم و قصاص وجود دارد که در بخشنامه صادر شده در سال ۱۳۷۰، معاون اجرایی رییس قوه قضاییه به کلیه دادستان‌ها ابلاغ کرده در تمام موارد قصاص و صلب و رجم قبل از اینکه خبر را درج کنند، یا عکس از مراسم اجرای حکم «منتشر کنند، با دفتر آنها هماهنگ کنند».

او همچنین می‌گوید: «بخشنامه صادر شده در سال ۱۳۷۷ در رابطه با یک سری تصاویری است که سفارت ایران در توکیو برای قوه قضاییه فرستاده که مقام‌های قضایی ایران در واکنش به آن اعلام کردند، این تصاویر تبلیغات مغرضانه علیه اجرای «حدود الهی است».

به گفته او، پس از افشای چنین اسنادی بود که مسئولان حکومتی در ایران، مراجع قضایی سراسر کشور را موظف کردند تا محل و نحوه اجرای مجازات‌های اعدام را بدون هماهنگی با دبیرخانه قوه قضاییه انجام ندهند.

بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین (آیین‌نامه شماره ۲۰۰/۲۷۸۶۳/۹۰۰ مورخ ۲۷ خرداد ۱۳۹۸)، ابلاغ شده از سوی ابراهیم رئیسی، ذیل گفتار اول (نحوه اجرای مجازات رجم) درباره چگونگی و شرایط اجرای این مجازات در مواد ۵ تا ۵۷ آمده است:

ماده ۵۰- در مواردی که به تشخیص دادستان اجرای مجازات رجم میسر نباشد و دادگاه نیز وفق ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی پیشنهاد تبدیل مجازات را به رئیس قوه قضاییه نداده باشد، دادستان مراتب را به دادگاه پیشنهاد می‌دهد. دادگاه در صورت تأیید، پرونده را از طریق رئیس کل دادگستری استان به معاونت قضایی ارسال می‌کند. در صورت موافقت رئیس قوه قضاییه با تبدیل مجازات رجم، پرونده جهت صدور حکم جدید به دادگاه ارسال می‌شود و در صورت عدم موافقت، مقدمات اجرای مجازات رجم فراهم می‌شود. ماده ۵۱- در صورت رضایت محکوم و ساعاتی پیش از اجرای حکم رجم و ترجیحاً در شب اجرا، مراسم مذهبی توسط فرد بصیر و آگاه به مسائل مذهبی و در غیاب وی، توسط قاضی اجرای احکام کیفری انجام و به وی تفهیم می‌شود تا چنانچه اظهاراتی مانند توبه یا وصیت دارد اعلام کند. همچنین انجام غسل میت و تحنيط و تکفین توسط محکوم را به وی یادآوری می‌کند.

ماده ۵۲- مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا سینه در گودال قرار می‌دهند به نحوی که دست‌ها خارج از گودال و آزاد باشد.

ماده ۵۳- در اجرای مجازات رجم بزرگی سنگ نباید به اندازه‌ای باشد که محکوم با اصابت یک یا دو عدد کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که عنوان سنگ بر آن صدق نکند.

ماده ۵۴- قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجازات رجم با هماهنگی مأموران ذیربط اقدامات انجام یافته به شرح مواد فوق را بررسی کرده و در صورت تأیید، مراتب را برای ضبط در پرونده صورت‌مجلس می‌کند.

ماده ۵۵- هرگاه زناى محصنه با اقرار یا علم قاضی ثابت شده باشد، هنگام رجم ابتدا قضات صادر کننده حکم بدوی سنگ می‌زنند و سپس دیگران و در صورتی که با شهادت شهود ثابت شده باشد، ابتدا شهود و سپس قضات صادرکننده حکم بدوی و پس از آن دیگران سنگ می‌زنند.

تبصره یک- چنانچه در اجرای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، قضات دیوان عالی کشور رأی قطعی صادر نمایند، ابتدا قضات صادرکننده این حکم سنگ می‌زنند.

تبصره دو- عدم حضور یا عدم اقدام قضات صادرکننده حکم یا برخی از آنان برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست.

ماده ۵۶- حضور شهود هنگام اجرای حد رجم ضروری است اما غیبت یا عدم اقدام آنان به زدن سنگ، موجب سقوط حد نیست.

ماده ۵۷- هرگاه محکوم به رجم از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتی که زناى او با شهادت ثابت شده باشد، برای اجرای

مجازات سنگسار در قانون -به دلایل شرعی- شد اما رویه قضایی به سمت صدور مجازات جایگزین رفت.

رها بحرینی، حقوقدان و پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل در این باره به «حقوق ما» می‌گوید: «اینکه مقامات قضایی ایران به جای لغو کامل مجازات‌هایی همچون سنگسار در قوانین ایران، به روز کردن آیین‌نامه اجرای احکام حدود را در دستور کار گذاشتند واقعا هولناک است و یک بار دیگر نشان می‌دهد نظام کیفری حاکم بر ایران تا چه اندازه بی‌رحمانه و غیر انسانی‌ست. اظهارات مقام‌های ایرانی نشان می‌دهد که آنها مایل به استفاده از مجازات سنگسار هستند.»

به گفته بحرینی مقام‌های ایرانی پیش‌تر اعلام کرده‌اند به دلیل فشارهای بین‌المللی نمی‌توانند از مجازات‌هایی مثل سنگسار استفاده کنند که این مسأله نوعی موفقیت برای جامعه حقوق بشری محسوب می‌شود: «پس از گذشت سال‌ها، هزینه بین‌المللی مجازات‌های بی‌رحمانه برای مقام‌های حکومتی در ایران بسیار بالا رفته اما هنوز تا حذف کامل این مجازات‌ها از قوانین کیفری ایران راه طولانی باقی مانده است.»

معین خزائلی، حقوقدان مقیم سوئد هم می‌گوید توقف اجرای این حکم به دلیل تغییر نگرش نظام قضایی ایران یا فقهای شیعه نسبت به غیرانسانی و وحشیانه بودن حکم سنگسار نیست، بلکه به این دلیل است که در شرایط فعلی آنها اجرای این مجازات را سبب فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی می‌دانند یا آن‌چه که خود «وهن اسلام» می‌خوانند: «به محض اینکه از نظرشان شرایط فراهم شود، تردید نکنید که اجرای این مجازات را به سرعت دوباره در پیش خواهند گرفت.»

اما سنگسار چیست؟

در منابع فقهی درباره سنگسار چنین آمده است: سَنگَسار یا رَجْم، مجازاتی است که در آن محکوم را تا کمر یا سینه در زمین قرار می‌دهند و سپس به او سنگ می‌زنند تا بمیرد. سنگسار از حدود به شمار می‌رود و مجازات زناى محصنه، یعنی زناى مرد یا زن شوهردار و همچنین در صورت تشخیص حاکم شرع، مجازات لواط است. اثبات و اجرای سنگسار شرایطی دارد از جمله داشتن همسر دائم و امکان آمیزش زناکار با همسر خود در زمان زنا. برخی از مراجع تقلید به سبب اینکه امروزه اجرای سنگسار به مصلحت اسلام نیست، به اجرای مجازات جایگزین آن فتوا داده‌اند.

معین خزائلی می‌گوید: «مجازات رجم یا همان سنگسار که مجازات تعیین شده برای جرم زنا است، مجازاتی حدی است. یعنی میزان، کیفیت، شرایط و نوع اجرای آن توسط شارع اسلامی مشخص شده و به هیچ وجه قابلیت تغییر یا حذف ندارد.»

سنگسار را چگونه اجرا می‌کنند؟

در جدیدترین آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی

سنگسار، آغشتن دست جامعه به خون



رضا حاجی‌حسینی

اساس قانون پیشین مجازات اسلامی در ایران، حاکم شرع بعد از تشخیص ضرورت اعمال سنگسار، باید مردم را از اجرای حکم سنگسار آگاه می‌کرد و دست‌کم سه نفر از مومنان در سنگسار شرکت می‌کردند اما اجرای این مجازات چهره حقوق بشری ایران را در جهان مخدوش می‌کرد. بر این اساس در زمان ریاست محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه، دستورالعملی به قضات ابلاغ شد تا تلاش کنند سنگسار با روش‌های دیگر سلب حیات جایگزین شود.

نظر به ارجحیت قانون بر بخشنامه، دستورالعمل و توصیه اما صدور حکم سنگسار همچنان ادامه داشته است. به همین دلیل در سال ۹۲ و در اصلاح قانون مجازات اسلامی در مجلس، سنگسار از مجازات‌های سالب حیات حذف شد که شورای نگهبان با آن مخالفت کرد و پس از ۹ ماه رفت و برگشت لایحه اصلاح قانون مجازات اسلامی میان این شورا و مجلس، در نهایت سنگسار در قانون باقی ماند.

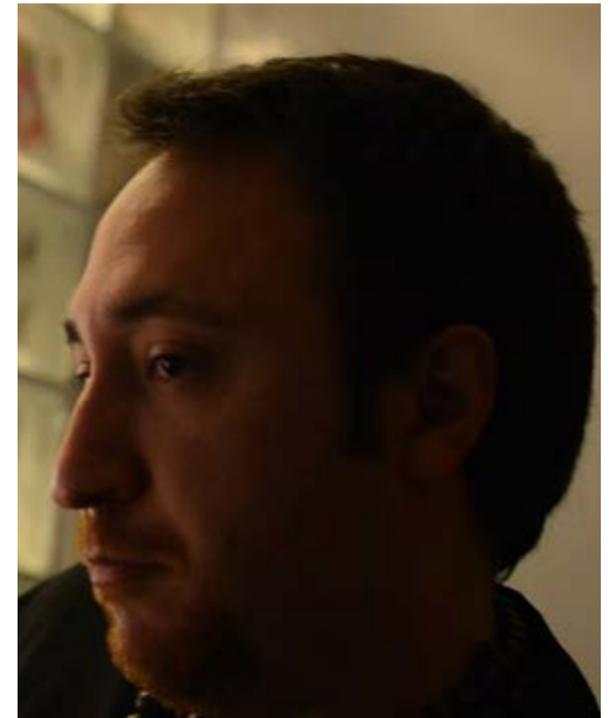
به این ترتیب در ماده ۲۲۵ قانون جدید مجازات اسلامی آمده است که حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم (سنگسار) است، گرچه در ادامه این ماده، تغییراتی به این صورت ایجاد شده است که «در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب ۱۰۰ ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.»

حاصل این تغییر و تحولات این شد که قانون‌گذار ملزم به حفظ

مددکار رو کرد به «زن لبخند» و گفت: «ببین ابتهسام دلای، تو آدم‌بشو نیستی. نمونه آخرش همین رقص با لیوانی که به خاطر قرآن هدیه گرفتی. حالا اینا مهم نیست. به نظرم تلاش نکن حکم سنگسار لغو بشه! تو آزاد بشی خانواده‌ات می‌سوزونت. برای چی تلاش می‌کنی؟ که پدر و مادرت قاتل شن؟ این همه بلا سرشون آوردی کم بود؟»

این روایت سپیده قلیان، فعال کارگری و زندانی سیاسی است از زندان سپیدار اهواز در کتاب «[تیلاپیا خون هورالعظیم را هورت می‌کشد](#)» که مجموعه روایت‌های اوست از زندان. روایتی که نشان می‌دهد مجازات غیرانسانی و بی‌رحمانه سنگسار هنوز در ایران جاری و زنده است. جریانی که در آن افراد در اجرای آن‌چه مجازات خوانده می‌شود شریک شده و دست خود و جامعه را آغشته به خون دیگری می‌کنند.

دوشنبه چهارم آذر ۹۸، سید مجید تفرشی، معاون امور بین‌الملل دبیر ستاد حقوق بشر گفت هر چند جمهوری اسلامی اعدام دختر ۹ساله و پسر ۱۵ساله یا حتی سنگسار نداشته و ندارد، اما گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران -با وجود تذکرات متعدد- عماد این موضوع را از دستور کار خود خارج نکرده است. روایت قلیان از زندان سپیدار اهواز اما نشان می‌دهد امکان اجرای حکم سنگسار در ایران همچنان وجود دارد و اگر به اجرا گذاشته نمی‌شود، احتمالاً به دلیل هراس از فشارهای بین‌المللی‌ست. روزنامه شرق در تاریخ پنجم آذر ۹۸ در گزارشی نوشت که بر



حد رجم برگردانده می‌شود و اگر با علم قاضی یا اقرار ثابت شده باشد، محکوم برگردانده نمی‌شود.

از سوی دیگر در چندین بند از آیین‌نامه مذکور به حضور کادر پزشکی و فراهم کردن تجهیزات پزشکی اشاره شده و پزشکی که در اعمال مجزات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی همچون سنگسار، قطع عضو و اعدام مشارکت می‌کنند، در حقیقت خلاف اصول اولیه اخلاق پزشکی عمل می‌کنند.

به گفته رها بحرینی، انجمن جهانی پزشکی روز جمعه، چهارم مهر ماه ۱۹۹۹ / ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰، با انتشار **نامه‌ای** خطاب به مقامات ایرانی از یک سو خواهان لغو این مجزات‌های بی‌رحمانه شده و از سوی دیگر رسماً اعلام کرده‌اند از هر پزشکی که مخالفت خود را با این مجزات‌ها علناً اعلام کند، حمایت خواهند کرد.

در این نامه همچنین تأکید شده است کادر پزشکی نباید به هیچ وجه در مجزات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی مداخله کند یا با چنین مجزات‌هایی همراهی داشته باشد.

مجازات یا شکنجه؟

با توجه به شکل و نحوه در نظر گرفته شده برای اجرای سنگسار، آیا چنین مجزاتی عین و مصداق شکنجه نیست؟

رها بحرینی ضمن مصداق شکنجه دانستن سنگسار می‌گوید قوه قضاییه ایران همواره شکنجه را تحت عنوان عدالت علیه بازداشت‌شدگان و زندانیان اعمال می‌کند: «مقامات ایرانی با چنین اقداماتی و با حفظ مجزات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی همچون سنگسار که مصداق شکنجه هستند به طور مشخص قوانین بین‌المللی مرتبط با ممنوعیت اصل شکنجه را زیر پا می‌گذارند. این

نکته را هم باید یادآوری کنم که تمام مقامات قضایی و دادستانی که در صدور و اجرای مجزات‌های بدنی از سنگسار گرفته تا شلاق و قطع عضو نقش دارند، عاملان و آمران شکنجه هستند و می‌توان آنان را تحت پیگرد کیفری بین‌المللی قرار داد چرا که در حال حاضر شکنجه یک جرم بین‌المللی است و کشورهایی که متعهد به اصل «صلاحیت جهانی» هستند، اگر افراد مظنون به اعمال شکنجه را در حوزه جغرافیایی خود مشاهده کنند، می‌توانند تحت پیگرد کیفری قرارشان دهند. از طرف سازمان عفو بین‌الملل هم یادآوری شده که مقامات قضایی و دادستانی که دست به صدور و اجرای چنین مجزات‌های بدنی‌ای زده‌اند، جزو افرادی هستند که می‌توان آنها را تحت پیگرد کیفری قرار داد.»

بر اساس قوانین بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران هم به آن پیوسته و همچنین قوانین عرفی بین‌المللی، همه کشورها ملزم شده‌اند تا شکنجه را به عنوان یک جرم تعریف و از اعمال آن جلوگیری کنند.

به گفته رها بحرینی، سازمان عفو بین‌الملل سال‌هاست از نمایندگان مجلس در ایران می‌خواهد برای جلوگیری از ادامه مجزات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی، قانون مجزات اسلامی را اصلاح کنند و فوراً با لغو مجزات‌های بدنی، نظام عدالت کیفری را به سمتی حرکت دهند که مبتنی بر بازپروری زندانیان برای بازگرداندن آنها به جامعه باشد، به نحوی که بتوانند یک زندگی توأم با کرامت انسانی برای خود بسازند: «مقامات ایرانی با توسل به مجزات‌هایی همچون قطع عضو، شلاق و سنگسار عملاً هیچ‌گونه تمرکزی بر بحث بازپروری ندارند.»

بحرینی یکی از دلایل اصلی نپیوستن ایران به کنوانسیون منع شکنجه و دیگر مجزات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی را همین بحث مجزات‌های بدنی می‌داند که مقامات ایرانی اصرار دارند با ارجاع به قوانین شریعت آنها را در قوانین کیفری حفظ کنند.

او می‌گوید: «البته باید یادآوری کرد در حال حاضر هم به دلیل اینکه ایران عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است و همین‌طور در عرف بین‌المللی شکنجه ممنوع شده، در واقع رفع مسئولیت از مقام‌های ایرانی نمی‌شود اما برای بهبود وضعیت موجود مهم است که فشار مدنی و بین‌المللی ایجاد شود تا ایران نیز به کنوانسیون منع شکنجه بپیوندد.»

آیا سنگسار ادامه دارد؟

با توجه به اینکه سنگسار از قوانین حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی حذف نشده، نگرانی از به اجرا گذاشته شدن آن همچنان و همواره وجود دارد.

رها بحرینی در همین زمینه می‌گوید: «سال گذشته سازمان عفو بین‌الملل دست‌کم در جریان یک پرونده سنگسار قرار گرفت. طبق معمول در این پرونده به اتهام زنا محصنه، مجزات سنگسار صادر شده بود. دو سال پیش هم دو مورد گزارش شد اما عفو بین‌الملل قادر به تأیید آنها نبود.»

به گفته بحرینی گزارش‌های رسیده بر این نگرانی دامن می‌زنند که زنان دیگری هم در معرض خطر صدور و اجرای حکم سنگسار باشند اما به دلیل فقر یا عدم دسترسی به مشاوره حقوقی مناسب، نتوانند درباره پرونده خود اطلاع‌رسانی کنند.

او درباره اینکه چرا حکم سنگسار بیشتر برای زنان صادر می‌شود نیز می‌گوید: «آن‌طور که از تحقیقات سازمان‌های بین‌المللی برمی‌آید، علت اینکه زنان به‌طور غیرمتناسب جزو قربانیان این مجزات هستند این است که مردها در ایران می‌توانند چندین همسر داشته باشند اما بسیاری از زنانی که قربانی مجزات سنگسار شده‌اند کسانی بوده‌اند که در روابط خشونت‌آمیزی قرار گرفته‌اند که به دلیل نداشتن «حق طلاق» نمی‌توانسته‌اند از آن رابطه خشونت‌آمیز خارج شوند و زمانی که در خارج از چارچوب ازدواج وارد رابطه جدیدی با یک مرد شده‌اند، دستگیر شده و با انتساب حکم زنا محصنه به آنها حکم رجم دریافت کرده‌اند.»

نکته دیگری که در مورد قربانیان سنگسار در ایران قابل توجه است این است که اکثر این زنان جزو زنان فقیر یا متعلق به اقلیت‌های اقلیتی بوده‌اند که به زبان فارسی هم تسلط نداشته‌اند و حتی متوجه نبوده‌اند در جریان بازجویی‌ها با چه اتهامی روبه‌رو هستند. به گفته بحرینی آنان نمی‌دانسته‌اند مجزات رجم در پرونده‌شان به چه معناست و علاوه بر این، همچون بسیاری از پرونده‌های دیگر در دستگاه قضایی ایران، روند دادرسی همراه با شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه و عدم دسترسی به وکیل در دوران تحقیقات بوده و این زنان در معرض خطر بیشتری قرار گرفته‌اند.

علیه سنگسار چه باید کرد؟

علاوه بر لغو کامل مجزات رجم در ایران، آنچه انجامش ضروری به نظر می‌رسد جرم‌زدایی از روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج است که در مجموعه حقوق مربوط به حریم خصوصی و آزادی بیان قرار می‌گیرد. یعنی چنین رابطه‌ای نباید «جرم» تعریف شود.

رها بحرینی ضمن تأکید بر این مسأله می‌گوید: «قطعا عوامل فرهنگی در تشدید خشونت و استمرار خشونت موثر هستند اما در نهایت این مسئولیت مقام‌های قضایی و قانون‌گذاران یک کشور است که با قانون‌گذاری صحیح و منطبق با استانداردهای حقوق بشری به تغییر ارزش‌های فرهنگی در جامعه کمک کرده و از اقشار آسیب‌دیده جامعه حمایت کنند نه اینکه با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی زن ستیزانه و خشونت‌آمیز به چنین باورهایی جنبه قانونی و جزایی ببخشند.»

معین خزائلی اما می‌گوید از آنجا که تمامی قوانین کیفری در ایران برآمده از احکام کیفری اسلام و به ویژه فقه شیعه است و این تبعیت قانونی از احکام اسلامی در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی هم مورد تأکید قرار گرفته، قانون‌گذاری باید بر این مبنا انجام شود و نمود عملی و عینی داشته باشد که این نمود در مجزات‌هایی مانند رجم یا سنگسار دیده می‌شود.



این حقوقدان همچنین می‌گوید: «یکی از دلایلی که برای عدم امکان تبدیل یا تغییر حدود مطرح می‌شود این است که این مجزات‌ها از حقوق الهی هستند که توسط شارع تعیین شده و از این رو تغییر آنها از توان اجراکنندگان حکم الهی خارج است. از این رو دست‌کم قانون‌گذار برای حفظ این اصل کلی هم که شده، مجزات حد مورد نظر یعنی رجم را در قانون حذف نکرده و آن را حفظ کرده و در مقابل ترجیح داده آن را اجرا نکند.»

قانون‌گذاران اما نباید به شکل رسمی و قانونی «فرهنگ خشونت» را تثبیت و نهادینه کنند.

رها بحرینی، پژوهشگر سازمان عفو بین‌الملل با اشاره به این نکته می‌گوید که متأسفانه در حال حاضر مقام‌های جمهوری اسلامی نقشی مستقیم در تثبیت خشونت علیه زنان و اقشار آسیب‌دیده دارند و حتی کسانی را که برای تغییر این قوانین تلاش می‌کنند، تحت عناوینی مانند مخالفت با اسلام، توهین به مقدسات و ... مورد پیگرد قرار می‌دهند: «حتی وقتی مدافعان حقوق بشر در چنین مواردی اقدام به اطلاع‌رسانی می‌کنند، آنها را با اتهام تبلیغ علیه نظام یا اتهام اجتماع و تبانی محکوم می‌کنند.»

بحرینی به عنوان نمونه از گلرخ ایرایی یاد می‌کند که به دلیل نوشتن یک داستان تخیلی با موضوع مجزات سنگسار متهم به توهین به مقدسات شده و حکم سنگین حبس گرفته است: «همچنین افراد دیگری که در طی سال‌های گذشته در کارزارهای علیه سنگسار شرکت داشته‌اند و برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان فعالیت کرده‌اند همواره با احضار و بازداشت و تهدید روبه‌رو شده‌اند.»

نقدی بر مجازات‌های صلب و رجم در قوانین اسلامی و مقایسه

آن‌ها با استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی



نیره انصاری

در فقه شیعه در مباحث «حدود، قصاص و تعزیرات»، جرائم مستوجب اعدام، ادله مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها، تشریفات و چگونگی اجرای مجازات اعدام و نیز نقش مصلحت و مقتضیات زمان و مکان در اجرای این مجازات مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اعدام، صلب و رجم

به موجب فقه شیعه «اعدام شدیدترین مجازاتی است که نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که مهمترین جرائم را مرتکب شده‌اند. اعدام مجازاتی است از درجه جنایی و در ماهیت، رنج آور و رسوا کننده و یا در اصطلاح حقوق کیفری و جزایی «تزهیبی و تریلی» است که هدف از آن به ویژه طرد ابدی مجرم از جامعه است و در نتیجه با پایان دادن به حیات مجرم، جامعه را از خطر بالقوه بزهکار مصون می‌دارد!»
جدا از ماهیت خشن مجازات اعدام، روش‌هایی در فقه شیعه وجود دارد که خشونت را در این موارد به حد اعلامی رساند؛ مانند صلیب‌کشیدن و سنگسار کردن.

حد صلب یا صلیب کشیدن یکی از مجازات‌های «محارب» است که با تصمیم و اختیار قاضی صادر می‌شود. سنگسار یا رجم نیز مجازات «زنای محصنه» است.

افساد فی الارض

ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «هرکس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب، اخلاق در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشاء یا معاونت در آنها گردد. به گونه‌ای که موجب اخلاق شدید در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارات عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء، در سطح وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

به نظر می‌رسد طرح تهیه شده می‌بایست از ابتدا مورد بازنگری واقع شده و مصادیق و تعریف‌های آن به صورت جامع‌تری از نو تدوین و تعریف گردد و نظرات بنیادین جرم‌های سیاسی (که اساساً در جامعه‌های غیردموکراتیک مطرح است) مورد ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا همانگونه که در اسناد حقوق بین‌المللی آمده است، تفکر و ابراز عقاید به ویژه در حوزه سیاست جزء حقوق بشر بوده و بایستی به آن به دیده احترام نگریست.

از سویی، به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، تشخیص نوع جرم، بدون این که تعریف دقیقی از جرم سیاسی مانند جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی وجود داشته باشد. توسط قاضی و دادگاه صورت می‌گیرد (حتی بدون آنکه تعریف دقیقی نسبت به این جرم وجود داشته باشد!) اما پرسش اینجاست که کدام قاضی؟

۱- آیا منظور آن قاضی‌ای است که وابسته به قوه‌ای «مستقل» و به دور از شعاع و محدوده قدرت حاکمان و دولتمردان است؟ اگر این گونه نباشد به نوعی تداخل قوا پیش می‌آید و قاضی را مقید به رعایت مصالح و نظرات حکومتی می‌کند. در چنین مواردی قطعاً تشخیص درست و اصولی از جرم و نوع آن صورت نمی‌گیرد (مصادق بارز دادگاه‌ها و عملکرد بسیاری از قضات در دستگاه قضایی کنونی ایران)!

۲- نباید این تصور به وجود آید که هر گروهی که دارای دو ویژگی یعنی منافع گروهی و طرفیت با حکومت باشد بالطبع

واجد «معنا و مفهوم سیاسی» است.

ما در جرم سیاسی با یک شرط اساسی و مهم مواجه هستیم و آن مقابله و ضدیت جرم با اهداف و منافع عالیه است. اهدافی که دربردارنده منافع کلی جامعه است و نه منافع و اهدافی که می‌تواند موجبات ایراد خسارت و ضرر زیان به جامعه را فراهم آورد. اگر چه به نظر نگارنده در نظام حقوقی ایران نباید به تعریف جرم سیاسی پرداخت، بلکه باید به تشخیص مصداق آن پردازیم.

۳- در این ماده مجازات معاونت در برخی از جرائم در حد مباشرت در آن جرم دانسته شده و مجازات اعدام برای آن در نظر گرفته شده است. در حالی که اصل مسلم در حقوق این است که مجازات شخصی که جرمی را مستقیماً انجام می‌دهد (مباشر) بیشتر از فردی است که صرفاً وقوع جرم را تسهیل نموده و یا وسائل ارتکاب جرم را فراهم کرده است یا به هر نحو دیگر در ارتکاب آن معاونت داشته است.

۴ - عدم تعیین و تمییز قطعی و مشخص مفهوم «بطور گسترده» در ماده است. زیرا ممکن است عملی با یک حد و گستردگی از نظر یک قاضی مشمول این ماده قرار گیرد، در حالی که از نظر قاضی دیگر مورد مشمول ماده نباشد. پس، قانونگذار باید تا حد امکان از تصویب واژه‌ها و مفاهیم مبهم و مجمل خودداری ورزد تا جایی برای خودسری قضات و تفسیر شخصی قانون توسط آنها باقی نگذارد. به ویژه در جرائمی که مجازات آنها به سنگینی اعدام است. زیرا کوچکترین اهمال و مسامحه غیرقابل جبران است.

۵ - جرم تخریب را نیز از مصادیق جرم سیاسی و افساد فی الارض دانسته است. در صورتی که به نظر نگارنده، جرم تخریب در زمره جرائم علیه اموال و مالکیت است. فلذا اگر منظور قانون از جرم سیاسی صور خاص آن باشد باید به طور منجز و خاص، ویژگی‌های آن ذکر گردد و نه به صورت مطلق «تخریب» را جرم سیاسی بدانند.

۶ - جنایت علیه تمامیت جسمانی... عنوان جنایت بسیار وسیع است و مشخص نیست که منظور قانونگذار از جنایت قتل است و یا صرف ضرب و جرح نیز مشمول ماده می‌شود و یا خیر؟ و نیز اختلاط جرم سیاسی با جرائم علیه اشخاص کاری است اشتباه و قابل نقد. چون در شرع و قانون بطور معین کیفر مرتکبین جرائم علیه اشخاص بیان شده است و شخص قربانی یا خانواده‌اش می‌توانند با «قصاص» یا دیه یا

ارش، از نظر فقه اسلامی، به حق از دست رفته خود نائل آیند. ۷- گستردگی وسعت مفهوم «اخلال در نظام اقتصادی» بسیار است و همچنین تعداد فراوان «جرائم اقتصادی». بنابراین باید افزودن قیدهای بیشتر به این مفهوم را احصاء نمود.

۸- دایر کردن مراکز فساد و فحشاء، در صورتی که سبب اشاعه فساد و فحشاء این جرم قبلاً در بند الف ماده (۶۳۹) قانون مجازات اسلامی «جرم انگاری» شده و نیز مشخص نگردیده که منظور از فساد و فحشاء صرفاً فساد اخلاقی و جنسی است یا مفهوم دیگری دارد؟

شایان یادآوری است که اشاره به مفهوم «افساد فی الارض» و «محاربه» داشته باشیم که تاکنون بحث‌های فراوانی پیرامون این دو عنوان مطرح شده است. قانونگذار در سال (۱۳۷۰) در اکثر موارد این دو کلمه را در کنار یکدیگر آورده و نیز مجازات یکسانی را برای آن قائل گردیده است.

مقایسه مجازات اعدام با استانداردهای بین‌المللی

نگاهی کوتاه به تاریخ اعدام در غرب

ویل دورانت در کتاب خود (تاریخ تمدن) در بحث «قانون در عصر رنسانس» تحت عنوان «زندگی مردم در سال‌های ۱۵۱۷ تا ۱۵۶۴» چنین آورده است: سیاستمداران و قانون‌گذاران که از مبارزه با خوی بشری به ستوه آمده بودند سهولت کار خود را در آن می‌دیدند که با وضع قوانین بی‌رحمانه، تبه‌کاران را کیفر دهند و مردم را با تماشای شکنجه و اعدام، به عبرت وادارند.» وی در ادامه می‌نویسد «در همان شهر چندین تن را به گناه این که در روز جمعه گوشت خورده و از توبه استنکاف ورزیده بودند، سوزاندند و آنهایی که توبه کرده بودند فقط به دار آویخته شدند. معمولاً جسد مردگان را برای عبرت زندگان «بردار» باقی می‌گذاشتند تا آنکه کرکسان گوشت آنان را می‌دریدند و می‌خوردند.» دورانت در خصوص تأثیرگذاری این گونه مجازات‌های خشن در مردم اضافه می‌کند: «مردم از این کیفرهای وحشیانه ترسی نداشتند و چه بسا که از شرکت در تماشای اعدام‌ها و شکنجه‌ها لذت می‌بردند و گاهی نیز دست کمک به سوی جلادان دراز می‌کردند.»

به استناد اسناد تاریخی، پس از رنسانس (قرن ۱۸) و پس از آن نه تنها از شدت مجازات‌ها کاسته نشد، بلکه در مواردی و در بعضی از کشورها وحشیانه‌تر از سابق ادامه یافت. ویل

حقوقی بخشید زیرا در کشورهایی چون ایران افزون بر تبعیت از فقه امامیه در این خصوص، اعدام یک هدف سیاسی است که برای رسیدن به مقاصد سیاسی یا حفظ موقعیت خود از این امر استفاده می‌کنند.

در واقع مجازات مرگ چیزی نیست مگر ابزار دولتی در دفاع از خودش در برابر هر نوع آسیب رسیدن به شرایط حیاتش، بدون هر نوع پرسش و توجه به خود آن شرایط. بنابراین عدم وجود یک واکنش عمیق نسبت به جایگزین پیدا کردن برای چنین سیستمی که خود مولد و پرورش‌دهنده این جرائم است و به جای یافتن بدیلی برای آن، جلاد مورد احترام و افتخار قرار می‌گیرد که مجرمین بسیاری را اعدام کرده و تنها یک اتاقی دیگر فراهم می‌کند برای ورود مجرمین تازه.

بدین اعتبار، خود نظام نوع و مقدار جرمی که مورد مجازات قرار می‌دهد را خودش تولید می‌کند و به‌دیگر سخن، یکی از نقش‌های اصلی حکومت این است که محکومیت را کنترل می‌کند و ایضا برای آن مجازات برقرار می‌نماید. مجازات اعدام می‌تواند محصول وضعیت بی‌اخلاقی و وحشت‌زایی باشد که تحت شرایطی و توسط حکومت، بر مردمان جامعه القاء می‌گردد.

بنابراین «اعدام یک عارضه است و نه راه‌حل.» مجازات مرگ یک روش ویران‌گر است و باارزش‌هایی که وسیعاً در میان آدمیان مشترک است، هم خوانی و سازگاری نداشته و گسست را ایجاد نموده، استمرار می‌بخشد.» پس آنچه در این باره بیان شد نشانگر آن است که حق زندگی، حق زندگی آزاد و امن از اهمیت کانونی برخوردار است. دولت‌ها وظیفه دارند، آزادی و امنیت شهروندان خود را فراهم سازد و همه‌ی تدابیر ممکن را به کار ببندد تا نگذارد که این حق از سوی کسی یا گروهی، دولتی یا غیردولتی، آسیب ببیند.

و نیز ماده (۵) «شکنجه / Torture» از اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ کس نباید شکنجه شود، یا دستخوش رفتار یا مجازاتی خشن، غیرانسانی و خوارکننده قرار گیرد.» از جمله رفتارهای غیر انسانی که به منظور اخذ اقرار یا اطلاعات از سوی متهم یا مطلع صورت می‌گیرد. اذیت و آزار روحی و جسمی متهم و یا مطلع است که در حقوق کیفری / جزایی تحت عنوان «شکنجه» مورد تفحص و بررسی قرار می‌گیرد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۳۸ شکنجه را به طور



حق زندگی و حق آزادی

بر اساس ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت فردی دارد.

تفسیر: حق زندگی، نخستین حق برای اجرای دیگر مواد این اعلامیه است و به همین جهت از اهمیت مرکزی برخوردار است. البته این اصل هنوز به معنی لغو حکم اعدام نیست و آن را ممنوع نکرده است.

در بسیاری از کشورهای جهان کیفر اعدام برای جنایات سنگین وجود دارد. البته می‌توان با اتکاء به حق زندگی (ماده ۳) و ممنوعیت کیفرهای سخت و سهمگین (ماده ۵) در این راستا برای لغو حکم اعدام، دولت‌ها (از جمله جمهوری اسلامی) را به چالش کشاند. این ماده آن زمینه‌ی حقوقی است که می‌توان با اتکاء بدان مبارزه علیه اعدام را مشروعیت

دورانت در بررسی تحلیلی کیفیت مجازات در انگلستان سال‌های ۱۷۱۴ تا ۱۷۵۶ بیان می‌دارد: «کیفرهای وحشیانه در ملاء عام، مردم را درنده خو می‌ساخت. به موجب قانونی که در سال ۱۷۹۰ لغو شد، زنی را که به خیانت یا کشتن شوهرش محکوم شده بود، سوزاندند مشروط بر این عرف غالب که، پیش از سوزانده شدن خفه شود. و یا شکم مردانی را که به جرم خیانت محکوم می‌شدند، هنگام اعدام که هنوز جان در بدن داشتند می‌دریدند و..... در همه محلات لندن، چوبه‌های دار بر پا شده بود و بر بسیاری از آنها لاشه‌های محکوم را می‌آویختند تا جان دهند. این مجازات‌ها که با خشونت کامل صورت می‌گرفت در انگلستان و سایر کشورهای اروپایی با همین منوال اعمال می‌شد. اما هیچیک از این مجازات‌ها تأثیر بازدارندگی بطور «خاص و مجزا» نداشت.»

«عام» منع نموده است. در حقیقت و اگرچه «همسو» با اسناد بین‌المللی است اما قوانین عادی در ایران در خصوص شکنجه دچار کاستی‌هایی هستند به ویژه که شکنجه روحی و روانی را مطمح نظر قرار نداده است. بدین اعتبار در خصوص منع شکنجه قوانین عادی جمهوری اسلامی نتوانسته هدف قانون اساسی و اسناد بین‌المللی که شکنجه را به طور مطلق ممنوع کرده است را تأمین نمایند و نظرگیرنده‌تر آنکه «نتوانسته است به موجب قانون اساسی تعریفی روشن، واضح، بدون اجمال و ابهام از شکنجه ارائه دهند.»

در حقیقت نظر به آنچه پیش گفته؛ صاحب این قلم بر این باور است که قوانین آینده باید مقررات ناظر بر اذیت و آزارهای بدنی و سایر مواردی را که می‌توان در راستای قاعده منع شکنجه و به استناد اسناد معتبر حقوق بین‌المللی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های دوگانه ی بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... دیگر رفتارهای شکنجه بار را برشمرده و یکپارچه سازی نماید. از دیگر فراز از آنجا که ایران یک کشور امضاکننده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، حکومت قانونا به رعایت مواد این میثاق، و تضمین این که این مواد در قوانین و عملیات مربوط به حقوق بشر بازتاب یابند، ملزم است.

اعدام به وسیله سنگسار، مواد (۶ حق حیات) و (۷ منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌ها بی‌رحمانه، نانسانی و تحقیرآمیز) را نقض می‌کند.

به ویژه در مواردی که متهم به جرم اعتراف نکرده باشد، امکانی برای بخشش یا تخفیف از سوی حکومت وجود ندارد؛ یا امکان آن بسیار محدود است. حال آنکه این امر مغایر و ناقض میثاق مذکور است که می‌گوید: «هر فرد محکوم به اعدام باید حق داشته باشد که تقاضای بخشش یا تخفیف برای محکومیت خود بکند. حکم اعدام در همه موارد می‌تواند مشمول عفو، بخشودگی یا تخفیف شود.»

این جرایم در چندین قطعنامه سازمان ملل و از جمله قطعنامه ۲۰۰۵/۵۹ کمیسیون حقوق بشر تبیین شده‌اند، که از کشورها می‌خواهد تضمین ایجاد کنند که مفهوم «بدترین جنایت‌ها» چیزی ورای جنایت‌های عمدی با عواقب مرگبار یا به‌نهایت وخیم را در برنگیرد.

این قطعنامه همچنین میگوید که مجازات اعدام نباید در مورد اعمال ناخشن مانند روابط جنسی مرضی طرفین بین افراد

بالغ به کار گرفته شود، یا اعمال این مجازات الزامی تلقی گردد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل تأکید کرده است که «مجازات اعدام باید اقدامی کاملاً استثنایی باشد.»

حتی در مواردی که مجازات اعدام به جنایات سنگین استثنایی محدود می‌گردد، نهادهای حقوق بشری بین‌المللی صریحاً اظهار داشته‌اند که اعدام نباید به وسیله سنگسار صورت بگیرد. حال آنکه، زنان و مردان همچنان در ایران به دلیل اعمال جنسی مرضی طرفین سنگسار شده‌اند و این کشور یکی از بالاترین نرخ‌های اعدام در جهان را دارا است.

یکی از مواد مورد بحث در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که همواره مورد اعتراض فعالان حقوق بشر، زنان و ایضاً حقوقدانان بوده، مادهٔ مربوط به سنگسار است.

به رغم حذف اولیه‌ی مجازات سنگسار برای زنان محصنه توسط قوهٔ قضائیه و جایگزین کردن آن با مجازات «سلب حیات»، این واژه دوباره از سوی شورای نگهبان به قانون مجازات اسلامی برگردانده شد.

شورای نگهبان در اقدامی که از سوی یکی از معاونان قوه قضائیه، غیر قانونی خوانده شده اقدام به تغییر لایحه مجازات اسلامی کرده و واژه «رجم» را که به جای آن «سلب حیات» گذاشته شده بود به متن قانون بازگردانده است.

بر اساس لایحه‌ای که قوه قضائیه به مجلس ارائه داده بود، مجازات سنگسار از قانون حذف و به جای آن «سلب حیات» قرارگرفته بود؛ «هر چند که این تغییر ناچیز، آن هم صرفاً در واژه و به صورت شکلی و نه ماهوی، نیز نتیجه این مجازات را تغییر نمی‌داد و در نهایت فرد متأهلی که وارد رابطه خارج از ازدواج شود، محکوم به مرگ است. اما روش اجرای مرگ او دیگر نمی‌توانست سنگسار باشد.»

اینک با نظر و تأیید شورای نگهبان، «مجازات سنگسار همواره قانونی است.»

در خصوص اعتراضات نسبت به اصدار و اجرای حکم سنگسار برای زنان محصنه (رابطه جنسی خارج از ازدواج میان زن و مرد متأهل) از سال ۱۳۸۰ آغاز گردید. در نتیجه اعتراضات بین‌المللی و داخلی به اجرای مجازات سنگسار، رئیس وقت قوه قضائیه، هاشمی شاهرودی، طی بخشنامه‌ای مطرح کرد که: «اجرای حکم مجازات سنگسار برای اسلام ایجاد وهن می‌کند.»

با این حال، بسیاری از قضات واقعی بر این بخشنامه ننهاده

و هم چنان به صدور و اجرای این حکم ادامه دادند. به رغم اعتراض‌های گسترده، برخی قضات عنوان کرده بودند که: «احدالناسی نمی‌تواند و حق ندارد جلو حد الهی را بگیرد؛ نیز بیان شده بود که اگر قوه قضائیه می‌خواهد این قانون اجراء نشود باید قانون را عوض نماید.»

اساساً دعوای بین شورای نگهبان و قوه قضائیه و مجلس، دعوایی فقهی است که افتادن در آن دوری است باطل. یک سو شورای نگهبان است و این باور که «حد الهی قابل تغییر نیست» و از دیگر فراز کسانی هستند که اجرای این حد را «موجب وهن اسلام» می‌دانند.

قضات نیز در این میان مخیرند که بین «حد الهی و پیشگیری از ایجاد وهن برای اسلام» یکی را برگزینند ضمن اینکه آنان معتقدند که عدم اجرای این حکم مستلزم تغییر قانون است. اما آیا امیدی بر تغییر قانون وجود دارد؟ اساساً امیدوار بودن در این مسیر بیهوده است زیرا که این قانون فی نفسه منبعث از فقه امامیه بوده و صرفاً مراجع تقلید اهل شریعت می‌توانند مانع اجرای این قانون واپسگرا شوند که آنان نیز در اجماع، اتفاق نظر بر اجرای این حکم دارند.

ماده ۳۲- چنانچه حد قتل یا رجم فقط با اقرار ثابت شده باشد و محکوم در هر مرحله و از جمله هنگام اجرای حکم از اقرار سابق عدول کند و منکر بزه انتسابی شود، قاضی اجرای احکام کیفری در اجرای ماده (۱۷۳) قانون مجازات اسلامی، پرونده را به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌کند تا ضمن صدور قرار سقوط مجازات، بر اساس مجازات مقرر در این ماده حکم صادر نماید. همچنین قاضی اجرای احکام کیفری پیش از شروع مرحله اجرای حکم، مفاد این ماده را به محکوم تفهیم می‌کند.

حال آنکه در سپتامبر ۲۰۰۷، دبیر کل ستاد حقوق بشر و معاون رییس قوه قضائیه، محمد جواد لاریجانی، گفت: «رجم نه شکنجه است و نه مجازاتی غیرمتناسب و از انواع دیگر اعدام‌ها خفیف‌تر است!»

راهکارها

- در تمام قوانین کشور برای تضمین این که هر کس که با اعدام قانونی مواجه است بتواند بر اساس تعهدات ایران تحت مواد (۴ و ۶) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۹۶)

تقاضای عفو یا تخفیف کند، بازنگری شود.

در تمام قوانین با هدف جرم‌زدایی از روابط جنسی مرضی طرفین افراد بالغ در خلوت، بازنگری شود! در تمام قوانین کشور که بر اساس آن حکومت می‌تواند فردی را بکشد، با هدف فوری کاهش تدریجی گستره مجازات اعدام، و با چشم‌انداز الغای کامل مجازات اعدام، بازنگری شود!

جامعه بین‌الملل، شورای امنیت سازمان ملل و دیوان کیفری بین‌المللی

- جامعه بین‌المللی نمی‌تواند به نادیده انگاشتن نقض فاحش حقوق بشر به دست حاکمان اسلامی در ایران ادامه دهد. بر این اساس باید از کشورهایی که دارای روابط اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی‌اند، درخواست نماید تا «نقض حقوق بشر» در ایران را در رأس گفتگوهای خود با دولتیان ایران قرار دهند و از آنان بخواهند که به تعهدات خود بر اساس حقوق بین‌الملل، به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است، احترام گذارند.

با توجه به اینکه اعدام شمار زیادی از زندانیان بر مبنای «اعترافات اجباری» که به استناد قانون فاقد اعتبار حقوقی است و ایضاً محاکمه و دادرسی غیرعادلانه، اهانتی بارز به بنیادی‌ترین موازین حقوق بشر، یعنی همانا «حق حیات» است.

- جامعه بین‌الملل تنها به صدور بیانیه دال بر محکومیت رژیم اسلامی اکتفا ننموده و مقامات مسئول در ایران و در راس آن‌ها رهبر این نظام را، برای الغای فوری اعدام به وسیله سنگسار و انجام اقدامات مشخص دیگری برای الغای مجازات اعدام در ایران، تحت فشار قرار دهد.

- مقامات ایران را، برای بازنگری قوانینی که روابط جنسی مرضی طرفین افراد بالغ در خلوت را جرم می‌شناسد و تضمین این که کسی به دلیل این گونه روابط اعدام یا زندانی نشود یا شلاق نخورد، تحت فشار قرار دهد.

- برجسته‌ترین راهکار همان تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی و جایگزین نمودن آن، تدوین یک قانون اساسی مدرن که بر پایه احترام به حقوق بشر استوار باشد و نه صرفاً براساس کرامت انسانی که ریشه در فقه سیاسی دارد.



شده بود، اما شورای نگهبان آن را مغایر با شرع دانست و در نهایت در ماده ۲۲۵ این قانون گنجانده شد.

از لحاظ حقوقی چه راهی وجود دارد که بتوان مجازات سنگسار را از قانون جزایی ایران حذف کرد؟
نخست اینکه قانونگذاری مبتنی بر شرع باید کنار گذاشته شود. اما در همین سیستم قانونگذاری و قضایی فعلی نیز ظرفیت حذف مجازات‌هایی از این دست وجود دارد.

اکثر احکام اسلامی از جمله سنگسار، جزء احکام امضائی هستند و قبل از اسلام بوده‌اند. بنابراین، ریشه آسمانی و قدسی ندارند، بلکه تحت تاثیر مقتضیات زمان و مکان بوجود آمده‌اند و میتوان آنها را با توجه به شرایط امروز تغییر داد. بویژه سنگسار که در قرآن هم نیامده است. چنانکه برخی از فقها معاصر نیز با صدور فتوا اجرای نشدن این مجازات را جایز دانسته‌اند.

افغانستان، عراق، مالی، نیجریه (در برخی ایالات این کشور)، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سومالی، سودان، امارات متحده عربی و یمن اشاره کرد.

آن طور که می‌شود، هدف قانونگذار از تصویب یک مجازات، بازدارندگی است، آیا مجازات سنگسار می‌تواند بازدارنده باشد؟ آیا این نوع مجازات چه نوع تاثیری می‌تواند بر جامعه داشته باشد؟
نخست این که یکی از اهداف مجازات بازدارندگی هست. مهمترین هدف از مجازات اصلاح مجرم و بازگرداندن او به جامعه است. ضمن اینکه مجازات باید برای مجرم و جامعه مفید باشد.

دوم، هیچ آمار یا پژوهشی نشان نداده است که مجازات‌های خشن و در راس آن‌ها مجازات‌های سالب حیات، بازدارنده هستند. تجربه نشان داده است که کشورهایی که به علل وقوع بزه توجه کردند و با استفاده از علم جرم‌شناسی سعی کرده‌اند، با مساله جرم بطور ریشه‌ای برخورد کنند، موفق‌تر بوده‌اند و آمار جرم و جنایت در این کشورها کاهش یافته است.

سوم، مجازات‌های خشن و اعدام، خود موجب وقوع و ترویج خشونت هستند و افزون بر فرد بزهکار، آثار ناگوار و جبران‌ناپذیری بر خانواده بزهکار نیز به جای می‌گذارد (بویژه مجازات سنگسار، در پی زجرکش کردن مجرم است. چنانکه در متون فقهی در نحوه اجرای آن آمده است که سنگ‌هایی که به سوی مجرم پرتاب می‌شود، خیلی درشت نباشند که وی زود و براحتی کشته شود).

چهارم، مجازات نباید مخالف با کرامت انسانی و دیگر اصول و موازین حقوق بشری باشد.

اگرچه برخی از چهره‌های سیاسی و حقوقی ایران ادعا می‌کنند که مجازات سنگسار دیگر اجرا نمی‌شود، اگر چنین است چرا این مجازات از قانون جزایی حذف نمی‌شود؟

متأسفانه در جمهوری اسلامی، قانونگذاری مبتنی بر شرع است و برابر اصل ۴ قانون اساسی شورای نگهبان، وظیفه انطباق قوانین با شرع را برعهده دارد. در همین راستا، پس از انقلاب قانون مجازات اسلامی تصویب شد که مبتنی بر احکام شرعی است و در اصلاحات بعدی نیز همین رویکرد مانع از حذف مجازات سنگسار در قانون شد. چنانکه در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مجازات سنگسار حذف

محمد مقیمی:

مجازات نباید مخالف با کرامت انسانی باشد



علی‌اصغر فریدی

و برای چه نوع جرمی اعمال می‌شود؟
سنگسار یا همان رجم در لغت به معنای کشتن با سنگ است و در اصطلاح، یکی از انواع مجازات حدود الهی است که به موجب آن محکوم علیه سنگسار می‌شود.

در اجرای مجازات سنگسار ممکن است، مرگ به طور قطع رخ ندهد، بلکه ممکن است محکوم علیه از گودال فرار کند. در این صورت اگر جرم با اقرار متهم اثبات شده باشد، محکوم علیه رها می‌شود و مرگ رخ نمی‌دهد.

مجازات سنگسار (رجم) در مورد کسی اجرا می‌شود که مرتکب جرم زنا یا محصن یا محصنه (همسر دار) شده باشد. بنابراین، مجرم باید حین ارتکاب، متأهل بوده و به همسرش دسترسی و امکان ارتباط زناشویی داشته باشد و این عمل را با یک فرد بالغ و عاقل انجام داده باشد.

مجازات سنگسار علاوه بر ایران در قوانین کدام کشور یا کشورهای دیگری آمده و اجرا می‌شود؟

سنگسار امروزه در قانون برخی از کشورها که حکومت آنان اسلامی است یا سیستم قضایی آن‌ها مبتنی بر احکام اسلامی است، وجود دارد. در برخی از این کشورها، مجازات سنگسار صرفاً در قانون وجود دارد، ولی اجرا نمی‌شود و در برخی دیگر، از سوی نهادهای غیررسمی خارج از حکومت اجرا می‌شود و برخی مانند ایران نیز این مجازات از سوی قوه قضائیه حکومت اعمال می‌گردد. از جمله می‌توان به کشورهای ایران،

مجازات سنگسار که در جامعه بین‌المللی به عنوان عملی وحشیانه و سبعانه شناخته می‌شود، در طول چهار دهه حکومت اسلامی در ایران، بارها اجرا شده است.

در پی تلاش‌های فعالان حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی برای حذف سنگسار از قوانین جزایی ایران، در آغاز سال ۲۰۰۳ و در پی قول شفاهی مسئولان قوه قضائیه ایران به مقام‌های اروپایی، صدور احکام سنگسار با بخشنامه‌ای از سوی رئیس وقت قوه قضائیه، محمود هاشمی شاهرودی متوقف شد. اما با دیگر و در سال ۲۰۰۷ چند مورد سنگسار در مشهد و تاستان گزارش شد، که مسئولان قضای ایران، اجرای این حکم در تاستان را حاصل اشتباه قاضی عنوان کردند.

برخی از روحانیون شیعه مانند آیت‌الله حسن نوری همدانی معتقدند که در مورد اجرای مجازات سنگسار، حکم الهی تغییرپذیر نیست. برخی دیگر آیت‌الله علوی گرگانی می‌گویند: در صورتی که حاکم شرع تشخیص دهد که اجرای این حکم موجب وهن اسلام و بی‌احترامی به آن است، می‌تواند آن را تغییر دهد اما اصل حکم سنگسار در فقه اسلام ثابت است.

مجله حقوق ما، در رابطه با موضوع مجازات سنگسار با محمد مقیمی وکیل دادگستری مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح آن به شرح ذیل است.

مجازات سنگسار که در قانون جزایی ایران آمده چیست

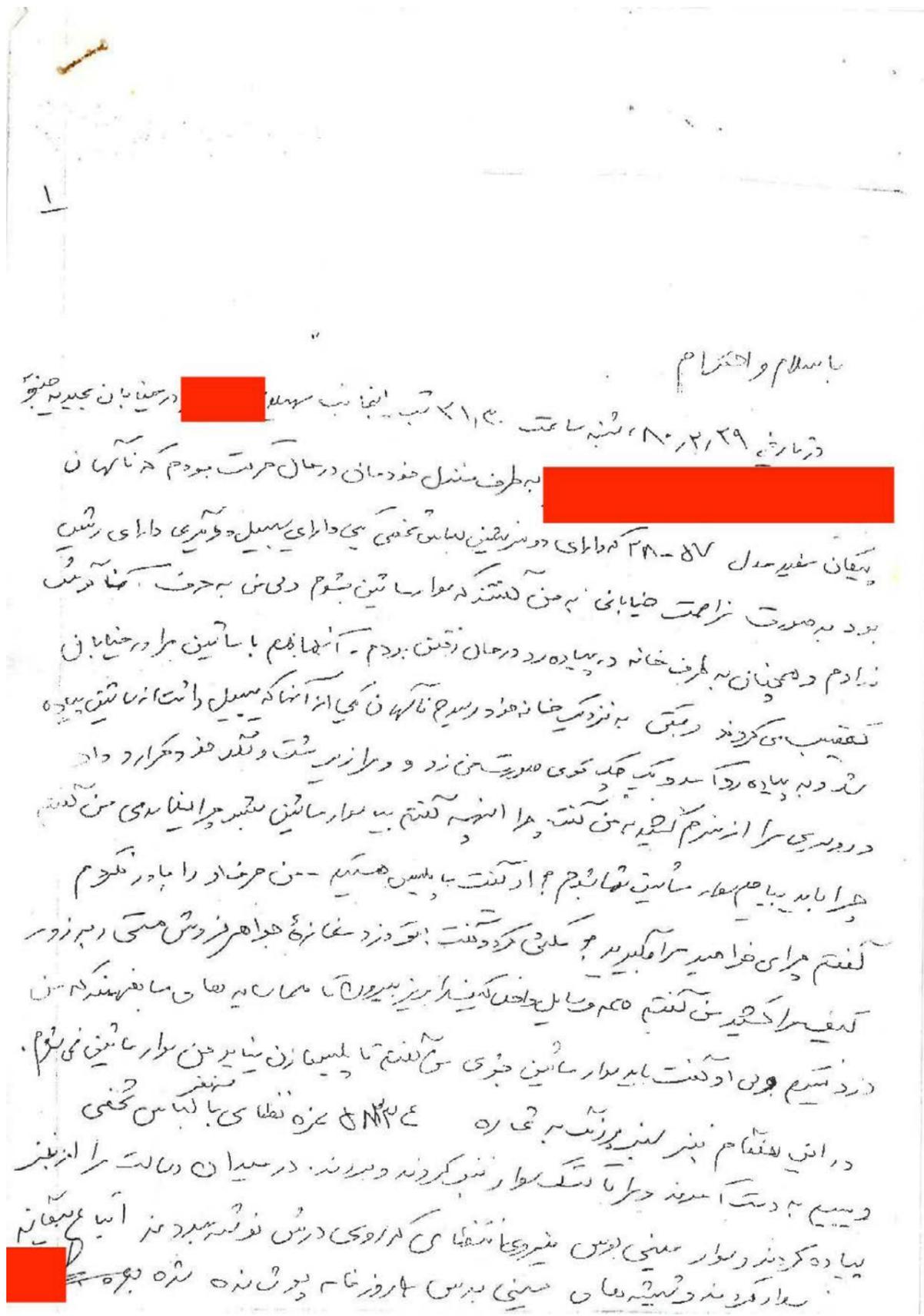
نخستین بار منتشر می‌شود: روایت یک شاهد عینی از سنگسار در زندان

متنی که پیش‌رو دارید، روایت یک شاهد عینی از برگزاری مراسم سنگسار در زندان اوین است. این متن که برای پیگیری و دادخواهی نوشته شده اما از سرنوشت آن خبری منتشر نشده است. در این روایت نه نام فرد سنگسار شده آمده و نه اتهامش مشخص است. سازمان حقوق بشر ایران تصویر این شهادت‌نامه را برای نخستین بار منتشر می‌کند.

با سلام و احترام

در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۸۰، شنبه ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه شب اینجانب سهیلا... در خیابان مجیدیه جنوبی... به طرف منزل خودمان در حال حرکت بودم که ناگهان پیکان سفید مدل ۲۸۰۰۵۷ که دارای دو سرنشین لباس شخصی، یکی دارای سیبل و دیگری دارای ریش بود به صورت مزاحمت خیابانی به من گفتند که سوار ماشین بشوم. ولی من به حرف آنها گوش ندادم و همچنان به طرف خانه در پیاده رو در حال رفتن بودم. آنها هم با ماشین من را در خیابان تعقیب می‌کردند. وقتی به نزدیک خانه خود رسیدم، ناگهان یکی از آنها

که سیبل داشت از ماشین پیاده شد و به پیاده‌رو آمد و یک چک توی صورت من زد و مرا زیر مشت و لگد خود قرار داد و روسری من را کشید و به من گفت چرا این‌همه گفتم بیا سوار ماشین شو، چرا نیامدی؟ من گفتم چرا باید بیایم سوار ماشین شما بشوم؟ او گفت ما پلیس هستیم. من حرف او را باور نکردم گفتم چرا می‌خواهید من را بگیرد؟ مکتی کرد و گفت تو دزد مغازه جواهرفروشی هستی و به زور کیف من را کشید. من گفتم همه وسایل داخل کیف را بریز بیرون تا همسایه‌ها بفهمند که من دزد نیستم. ولی او گفت باید سوار ماشین شوی. من گفتم تا پلیس زن نیاید من سوار ماشین شما نمی‌شوم. در این هنگام بنز سبز رنگ به شماره ۵۸۲۳۴ نمره نظامی، سه نفر با لباس شخصی و بی‌سیم به دست آمدند و مرا با کتک سوار مین‌بوس نیروی انتظامی که روی درش نوشته بود اتباع بیگانه سوار کردند. شیشه‌های مینی‌بوس با روزنامه پوشانده شده بود. ساعت یک بامداد نصف شب که مینی‌بوس ما را به جلوی ساختمان پلیس بین‌الملل اینترپل برد و از مینی‌بوس پیاده کردند و سوار تویوتا شخصی کردند و هر چه از



حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net

